

میدان مردم

چهار شرط اقدامات موثر مردمی در
پیشبرد جنگ، براساس تحلیل قرآنی
نخستین پیام رهبر معظم انقلاب،
حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

میدانِ مردم

چهار شرط اقدامات موثر مردمی در
پیشبرد جنگ، بر اساس تحلیل قرآنی
نخستین پیام رهبر معظم انقلاب،
حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

تهیه و تنظیم: هسته منظومه فکری علامه
طباطبایی رحمته الله علیه مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام
(حسین قاسمی، محمد رحیمی،
میکائیل نوروزی و مجتبی قادری)

صفحه آرا: سید علی امامی

فروشگاه اینترنتی رشد: www.rushda.ir

سایت مرکز رشد: www.rushd.ir

درگاه های ارتباطی هسته منظومه فکری علامه
طباطبایی در شبکه های اجتماعی (بله، ایتا،
تلگرام، اینستاگرام، آپارات): [@shamsolvahy](https://www.instagram.com/shamsolvahy)





مقدمه

سومین رهبر انقلاب اسلامی، در بحبوحه جنگ و درگیری با مدعیان ابرقدرتی جهان، سکان این انقلاب را بر دست گرفت. او که امتداد دهنده راه قائد شهید امت، حضرت آیت‌الله العظمی، شهید سید علی خامنه‌ای رضوان الله علیه بود، اینک باید کشتی این انقلاب و نظام را همچون سلف صالح خویش، از میانه ابتلائات و امواج متلاطم راهبری و هدایت می‌کرد. بی‌شک چنین شرایطی ایجاب می‌کرد که **اولین پیام ایشان به عنوان معرفی راهبردها و دورنمای نقشه راهبری ایشان، در عین نمایندگی از منطق کلانی که در راهبری خویش مدنظر دارند، نسبت به شرایط جنگ و لوازم آن نیز مباحث ضروری و مورد نیاز مردم را منتقل کند.**

ایشان در ابتدای این پیام، بعد از تبیین موضع خود نسبت به انتخاب و رأی مجلس خبرگان، جان کلام و اساس پیام خویش را حول معنای حقیقی جمهور و نقش محوری مردم در پیشبرد این انقلاب بیان می‌کنند. به بیان ایشان: «اگر قدرت شما در صحنه ظاهر نشود، نه راهبری و نه هیچ یک از دستگاه‌های

مختلف که شأن واقعی آن‌ها خدمت به مردم است، کارایی لازم را نخواهند داشت.^۱

در ادامه این پیام راهبردی، برای تحقق قدرت مردم در نظام اسلامی و در تناسب با شرایط موجود، چهار شرط اساسی را برای ساخت جامعه با محوریت مردم تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر، ساخت جامعه ایرانی از میانه جنگ رمضان و برای روزهای فتح و ظفر این ملت از مسیر توجه به این چهار راهبرد می‌گذرد. به بیان ایشان: «اگر این جهات مراعات شود، راه وصول شما ملت عزیز به روزهای عظمت و شکوه هموار خواهد بود. نزدیک‌ترین مصداق آن می‌تواند باذن الله ظفر بر دشمن در جنگ فعلی باشد.»^۲

توجه و پیگیری این چهار محور و شرط اساسی، در پیام نوروزی ایشان نیز نمود یافته و در مقام تحلیل وضعیت سال ۱۴۰۴، تحلیل موقعیت ما در جنگ حاضر و راهبردهای تجویزی برای سال ۱۴۰۵، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱- مراجعه کنید به سایت farsi.khamenei.ir

۲- مراجعه کنید به سایت farsi.khamenei.ir

اثر حاضر با تکیه بر تراث دینی و با تمرکز بر تفسیر
 قِیم المیزان مرحوم علامه طباطبائی رَضَوَ اللّٰهُ عَلَیْهِ در نظر
 دارد، شرح قرآنی و معرفتی بر این بخش از پیام
 راهبردی و محوری رهبر معظم انقلاب، آیت الله
 سید مجتبی حسینی خامنه‌ای باشد. فهم نقشه
 راهبری ایشان از دریچه قرآنی می‌تواند زوایای مهم
 و بدیعی از این راهبری را نمایان سازد تا با ابتناء بر
 آن، نقش مردم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب در
 راهبری جنگ حاضر و روزهای بعد از آن، قابل فهم
 و طراحی باشد.

پیش از این، هسته منظومه فکری علامه
 طباطبائی رَضَوَ اللّٰهُ عَلَیْهِ در آثار مختلفی به ابعاد معرفتی و الهی
 مسئله جنگ و مقاومت ملت ایران پرداخته بود که
 ملاحظه آن‌ها در کنار این اثر می‌تواند مکمل این
 نوع نگاه قرار گیرد. امید که این تلاش موجب رضایت
 ولیّ امر و امام جامعه ما در روزهای سرنوشت ساز
 پیش رو قرار گیرد. بِعَوْنِ اللّٰهِ وَ مِئْتَه.



طایفه

افراد و جوامع، با اراده و انتخاب‌های خود زندگی می‌کنند و براساس همین انتخاب‌ها و پایداری بر آن‌ها، هویت خویش را می‌سازند.^۱ **انقلاب اسلامی ایران حاصل یک اراده ملی بود که با وقوع آن، هویت تاریخی جدیدی برای ملت ایران رقم زد. هویت ساخت یافته توسط این انقلاب، علاوه بر اثری که در داخل ایران داشت، مسیر جدیدی برای ملت‌های جهان ایجاد کرد. هویت این انقلاب، نظم سابق جهان که همان نظام سلطه بود را به چالش کشیده^۲ و تلاش کرد به سوی ایجاد یک نظم نوین حرکت کند.^۳**

نظام سلطه تا پیش از این، جهان را به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم کرده و مواهب طبیعی و سرمایه‌های انسانی همه جوامع را در راستای منافع خود به کار گرفته بود. در نظام سلطه، محور اداره جوامع مبتنی بر استخفاف و تحقیر مردم بود تا

۱-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶.

۲-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴۰۲/۱۲/۱۷.

۳-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.

بدین وسیله، ملت‌ها هیچگونه احساس موجودیت و کنشگری مستقلى در راستای تامین منافع و نیازهای خود نداشته باشند و با میل و رغبت، خود را مطیع و همراه سلطه‌گران سازند. در نقطه مقابل، **نظم مطلوبی که انقلاب اسلامی برای خود و مردم جهان معرفی کرد، بر اساس عزّت و عظمت مردم و ملت‌ها بود و مسیر اداره جامعه را با تکیه بر ساخت درونی ملت‌ها پیشنهاد می‌داد.**^۱ القای اعتماد به نفس و بصیرت‌افزایی مردم، راهبردی بود که باید قلوب مردم را بیدار می‌کرد تا مردم به دست خودشان، مسیر حیات و بالندگی خویش را بسازند.^۲

ملت ایران در طول این سال‌ها، ذره ذره، تاروپود نظم پیشین را با سرانگشت اراده و تصمیمات خود شکافت و به عنوان ملتی که پیشران نظم نوین جهانی است، پیشتازی کرد؛ بنابراین، مردم با سطوحی از ابتلائات

۱-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب به مناسبت سالگرد رحلت حضرت امام خمینی، ۱۳۹۱/۰۳/۱۴.

۲-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۶/۰۲/۰۵.

و مشکلات مواجهه شدند که بسیاری از آن‌ها از تبعات این تغییر نظم جهانی و حرکت خلاف جریان بود^۱. ابتلائات نظامی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی مختلفی که تقریباً هیچ برهه‌ای از زمان حیات این ملت را خالی نگذاشته‌اند و باطل السحر همه آن‌ها، «مردم» و حضور موثر مردم در میدان این ابتلائات بوده است. در یکی از آخرین ابتلائات، رهبر عالیقدر این ملت را در میانه یک جنگ ترکیبی تمام عیار، به شهادت رساندند؛ امری که می‌توانست ضربه سنگینی به حرکت عزّت‌مندانه و مستقل این مردم وارد سازد؛ اما چون تاروپود این نظم جدید بر اساس حضور و نقش محوری مردم بافته شده بود، نه تنها عقبگردی حاصل نشد، بلکه قوام آن همگان را متحیر ساخت. به واسطه تعلیماتی که این مرد الهی در جان و اندیشه این مردم به ودیعه گذاشته بود، نصاب جدیدی از حضور، ایثار و فداکاری در میدان نقش بست و «آیت خیر» و نشانه برتری برای مردم ایران و ملت‌های آگاه

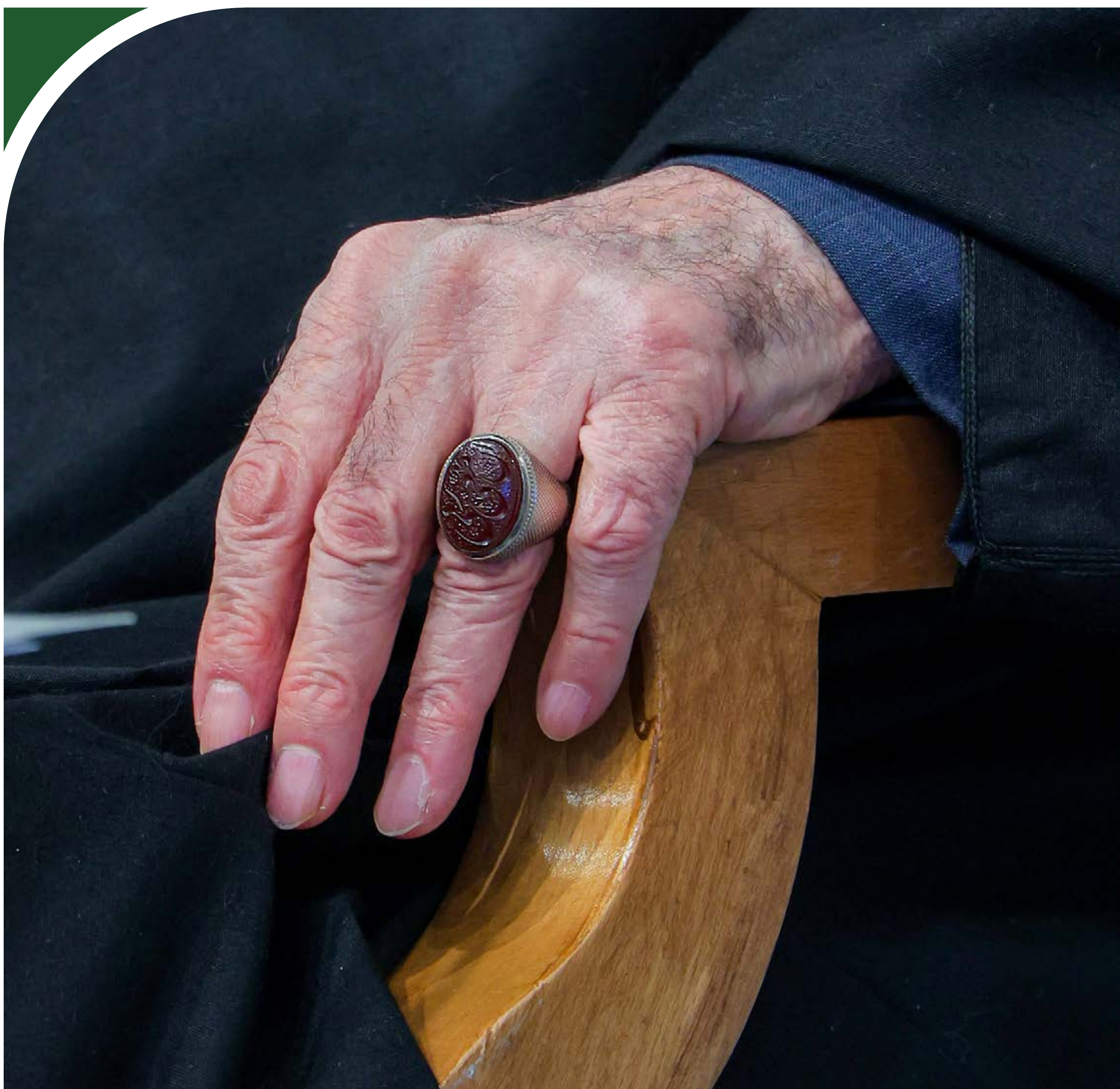
۱-مراجعه کنید به بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان،

جهان شد.

برتری این آیه و نشانه به آن است که اینک، منطق جمهوری اسلامی به بلوغی رسیده که دیگر یک امکان حاشیه‌ای تلقی نمی‌شود و کارآمدی خود را به عنوان یک حجت برای داخل و خارج این مرزها نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی نشان داد حقیقتاً بار اصلی اداره جامعه در لحظه‌های سرنوشت‌ساز بر دوش خود مردم بوده و مردم، سالارِ زندگی خویش هستند. این پشتوانه مردمی که بر پایه ایمان و معرفت الهی مردم شکل گرفته، بنای نظم مدنی و سیاسی موجود در جهان را به فروپاشی کامل نزدیک‌تر می‌کند.

حکمت رهبران الهی اقتضاء می‌کند که این آیات خیر الهی را آشکار کرده و با تکیه بر آن‌ها، مسیر ساخت جامعه را توسط خود مردم هموار سازند. همان امری که در نخستین پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی، خطاب به عموم مردم جلوه کرد و مورد توجه ایشان قرار گرفت. فهم و بهره‌گیری از این نشانه الهی در

عصر ما که «حضور عمارگونه ملت ایران» قلمداد شد، مجدداً وظیفه و کارویژه خود مردم است. تقویت این حضور مردم و افزایش قدرت مردمی که کلید پیروزی و ظفر در ابتلائات اجتماعی از جمله جنگ حاضر است، شروط و الزاماتی دارد که رهبران انقلاب اسلامی بر اصول کلی آن‌ها همواره تاکید می‌فرمودند؛ اما در میانه ابتلاء حاضر، ابعاد و زوایای خاصی از این اصول باید مورد توجه قرار گیرد.





شرط اول:

توسل شبانه به عنوان کلید گشایش
وظفر قطعی بر دشمن

متن پیام رهبر انقلاب:

«برای اینکه این معنا [حضور عمارگونه ملت ایران در صحنه] بهتر صورت تحقق پیدا کند، اولاً باید به یاد خداوند تبارک و تعالی و توکل بر حضرتشان و توسل به انوار طّیبه‌ی معصومین (صلوات‌الله علیهم اجمعین)، چون اکسیر اعظم و کبریت احمری نگریسته شود که تضمین‌کننده‌ی انواع گشایش‌ها و ظفر قطعی بر دشمن است. این مزّیت عظیمی است که شما واجد آن و دشمنانتان فاقد آن هستند.»

به‌راستی چه نیرویی است که چون اکسیر اعظم و کبریت احمر عمل می‌کند و تضمین‌کننده‌ی پیروزی بر دشمن است و همچنین مزّیت اختصاصی ملت ایران بوده و دشمن فاقد آن است؟

پدیدار شدن «استکبار جهانی» در میان انسان‌ها

پیش از پرداختن به عامل پیروزی بر دشمن، اساساً ریشه‌ی پدید آمدن دشمنی میان انسان‌ها چیست؟ خداوند متعال در آیه شریفه ۵۳ سوره مبارکه یوسف می‌فرماید: «**إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ**»؛ یک آدم، بدون قرار گرفتن تحت تربیت الهی و وقتی به حال خود رها می‌شود، نفسش، به‌طور کلی او را به‌سوی بدی‌ها و زشتی‌ها وامی‌دارد. بدین ترتیب، طبق آیه ۱۲۸ سوره مبارکه نساء: «**وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ**»، آدمی برای حفظ بقاء خود با شُحّ نفس^۱، هر آنچه از برخورداری‌های دنیایی را که بتواند به خود اختصاص می‌دهد و از آن‌ها بهره می‌برد. در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره مبارکه هود آمده است که این خصلت نفس باعث می‌شود، افراد با همدیگر به اختلاف بخورند: «**وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ**»؛ در این حالت، با ظلمی که یکی به دیگری روا می‌دارد، حق او را می‌خورد و دشمنی و بغض بین آن‌ها پیدا می‌شود.

۱- شح نفس یعنی بخیل بودن

وقتی این اختلاف از مقیاس یک فرد، کلان تر رفته و جمعی از افراد به حق خود پایبند نباشند، جریان مهاجمی شکل می‌گیرد و به حقوق و منافع جمع دیگر دست اندازی می‌کند. در این حالت، آن جمع مهاجم، با قوانین سخت گیرانه‌ای، افراد خود را مقید به رعایت حقوق یکدیگر می‌کند تا حق همدیگر را پایمال نکنند، اما همین جمع به خاطر زبانه کشیدن آتش غریزه زیاده‌طلبی و بخل، به بلعیدن جمع‌های دیگر رو می‌آورد. این جریان مهاجم ممکن است با گرفتن امتیازات مختلف، تا حدی و به طور موقت و جزئی، نسبت به جمع دیگر قانع و ساکت شود اما عمده‌ی دشمنی و کینه‌های در دل آن‌ها فروکش نمی‌کند.^۱ این شرح حالی است از ائتلاف استکباری آمریکایی- صهیونیستی در نسبت جوامع بشری.^۲

این جریان متخاصم وقتی به جامعه دیگر هجوم می‌آورد، افراد آن جامعه به طور عادی و به اقتضای

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۹، صفحه ۱۲۲.

۲- مراجعه کنید به سایت farsi.khamenei.ir

همان حس شُخّ نفس و میل به حفظ بقاء، متفرق می‌شوند تا صدمه نبینند. قرآن کریم این وضعیت را در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره مبارکه معارج توصیف می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»؛ بدین ترتیب، جامعه در مواجهه با خطر پخش می‌شوند و فرصتی ایجاد می‌شود برای جریان ظالم تا کل آن جامعه مظلوم را ببلعد. اتفاقی که آمریکا در ابتدای سال ۲۰۲۶ در نسبت با جامعه ونزوئلا رقم زد، از این سنخ بود.

همبستگی «مردم مؤمن» در قبال استکبار جهانی

توصیه قرآن کریم در آیه ۱۰۳ مبارکه آل عمران به جامعه مظلوم در چنین شرایطی عبارت است از اینکه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ یعنی جامعه وقتی در هجوم دشمن قرار می‌گیرد، نه تنها نباید متفرق شود، بلکه افراد جامعه باید گرد هم جمع شوند و همدیگر را پوشش دهند. اینکه افراد جامعه در چنین شرایطی از همدیگر فرار نکنند و شاکله‌ی جمعی خود را از دست ندهند، ظرفیت بسیار بالایی

نیاز دارد؛ یعنی مردم جامعه باید با چنین نگاهی تربیت شده باشند. در واقع، این شرح حالی از جامعه ایران و جبهه مقاومت است. اینکه جمعیت حاضر در یک صحنه در قبال بمباران متفرق نمی شود و بلکه با رشادت بیشتری ایستادگی می کند، ناشی از طریقه ی تربیتی آن ها است.

این بنایی است که جامعه ایران در طول انقلاب اسلامی طبق آن تربیت شده است؛ حضرت امام خمینی با صحبت صریحی که در جمعی از مسئولان کشور و میهمانان خارجی در دهه فجر ۱۳۶۴ دارند، منشأ پیدایش نهضت را این گونه تشریح می کنند:

«شما هم اگر بخواهید انسان باشید، ارزش انسانی داشته باشید، برای شکم نباشد برای شرف باشد کارهایتان، برای انسانیت باشد، برای خدا باشد، اگر بخواهید که کارهایتان که برای خدا باشد به نتیجه برسد، باید دست از هواهای نفسانی بردارید. شیطان از انسان دست بردار نیست. قسم خورده است برای خدا، من در ذهنم این است که به خدا تشریفه

است، که قسم خورده است که نمی‌گذارم این‌ها چیزی بشوند؛ **«إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»**^۱ شما با یک همچو دشمن قسم خورده‌ای مواجه هستید، به جنگ او بروید، در شهرهایتان که می‌روید به جنگ او بروید. مردم را آگاه کنید به این که یک همچو دشمنی در باطن است که موجب شده است این دشمن باطنی که دشمن‌های جبار ظاهری هم به ما غلبه کنند. اگر آن دشمن را شما از بین ببرید، یک انسجام بینتان حاصل می‌شود، یک وحدت بینتان حاصل می‌شود، یک اخوت و برادری بینتان حاصل می‌شود، قلب شما از خوف خالی می‌شود، قلب شما از حبّ دنیا خالی می‌شود، می‌توانید همه کاری را بکنید، آن وقت یک همچو اعجازی می‌شود.^۲

طبق فرمایش حضرت امام خمینی رحمة الله علیه **هواهای نفسانی به عنوان دشمن باطنی انسان زمینه‌ای را فراهم می‌آورد برای دشمن مستکبر بیرونی که بر**

۱- سوره حجر، آیه ۴۰: «مگر آنان که بندگان با اخلاص تو باشند».

۲- صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۴۸۴-۴۸۵

جامعه غلبه پیدا کند و در مقابل وقتی که انسان بر هوای نفس خود غلبه پیدا کند، هم وحدت و انسجام اجتماعی شکل می‌گیرد و هم اینکه زمینه‌ای برای غلبه بر دشمن مستکبر بیرونی است. بدین ترتیب، **ریشه‌ی بروز اختلافات اجتماعی باید در نفس آدمی اصلاح شود؛** همان‌گونه که قرآن کریم، آن را در شُحِّ نفس ردیابی کرد، در اصلاح روابط اجتماعی نیز در آیه ۹ سوره مبارکه حشر چنین توصیه‌ای دارد که: «وَمَنْ يَوْقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ یعنی کسی که خود را در قبال شُحِّ نفس محافظت کند و دیگری را بر خود ترجیح دهد، بین افراد جامعه، یک اخوت جمعی پدید می‌آید و نهایتاً به محض قرار گرفتن در معرض تهاجم دشمن منسجم می‌شوند.

همبستگی در میان مردم پیش از آنی که با همدیگر مرتبط شوند، جدایی و تفرقه‌ای بین آن‌ها وجود دارد که اساساً همدیگر را پس می‌زنند اما به فرموده آیه‌ی ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»،

صرفاً امر الهی است که در میان قلب‌ها تزریق می‌شود و رابطه اخوت و برادری را بین افراد ایجاد می‌کند. در واقع، هیچ اسباب مادی‌ای نمی‌تواند تألیف قلوب ایجاد کند و نزدیک شدن افراد به همدیگر فقط به امر الهی ممکن است. این انس و الفت میان افراد جامعه طبق آیه ۶۳ سوره مبارکه انفال که می‌فرماید: «لَوْ أَنفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا آَلَفْتُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ آَلَفَ بَيْنَهُمْ»، عامل انسجام بین مردم جامعه قطعاً از جنس شراکت تجاری و حمایت مالی نیست، بلکه از طریق فراتر رفتن نیازهای انسان از سطح مادی و خواهش‌های زمینی است که انس و الفتی بین قلوب ایجاد شده و خداوند قلوب مردم را به همدیگر گره می‌زند.

حیات جامعه در این افق متعالی طبق آیه ۲۶ سوره مبارکه رعد: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»، افقی محدود به چند روز زندگی دنیایی نیست بلکه حیات واقعی و زندگی حقیقی در چشم این جامعه با کرامت بندگی خداوند سبحان تعریف می‌شود و

اصل در این نگاه، تقرب به خداوند متعال است و البته افراد از نعمات دنیایی در حد خود استفاده می‌کنند؛ طبق توصیه آیه ۳۰ سوره مبارکه نجم: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»، قرار نیست که مردم جامعه از نیازهای دنیایی خودشان رویگردان شوند بلکه قرار است که در برآوردن نیازهای خود، نگاه صحیحی داشته و انحراف نداشته باشند؛ نگاهی که صرفاً حیات دنیا را مراد خود دانسته و نسبت به حیات متعالی اعراض می‌کند، نگاه منحرفی است. وقتی نگاه این جامعه تعالی یافت، افراد به همدیگر گره می‌خورند؛ زین پس، عامل اصلی جمع شدن افراد گرد همدیگر، صرف نیازهای مادی نیست که با بروز تزاحم، بهره‌مندی یکی و محرومیت دیگری را در پی داشته باشد.^۱ سیره این جامعه، درست بر خلاف جامعه مادی است که هر کسی با شُخّ نفس خود، اصلاً با دیگری کنار نیامده و نهایتاً نتوانند اجتماع پایداری را همدیگر شکل دهند. آن نگاه متعالی در جامعه ایران و جبهه مقاومت در حال تجلی است و این نگاه مادی در کشورهای اروپایی و آمریکایی.

ضامن گشایش و ظفر قطعی بر دشمن

همین طریقی که برای دفاع از کیان جامعه در قبال تهاجم خارجی بیان شد، راهی برای غلبه نیز به حساب می‌آید؛ بدین صورت که وقتی دشمن، جان جامعه را تهدید می‌کند، افراد از جان فراتر می‌نگرند و جان دادن خود در این مسیر را منتقل شدن به حیات حقیقی در آخرت می‌دانند؛ در واقع، مرگ نزد آن‌ها دالان انتقال به مقصودشان است. این فهم، درست نقطه مقابل فهم دشمن است که صرفاً نگاه او منحصر در حیات دنیا است و مرگ را به معنای فنا و نابودی می‌داند. دشمن بر هوای نفس تکیه کرده و به محض اینکه پای مرگ به میان آید، عقب‌نشینی می‌کند.

وقتی مردم جامعه به مرگ چنین نگاهی داشته باشند، نه تنها به رکود و ناامیدی منجر نمی‌شود، بلکه جنگاوری و رشادت در این جامعه تقویت می‌شود و با روحیه‌ی خیلی قوی‌تر به دل دشمن می‌زند. آن چنان که قرآن کریم در آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال

می فرماید: «إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»، یعنی وقتی جامعه مؤمن مورد هجوم قرار می گیرد، اگر مؤمنان کنار همدیگر جمع شوند، با همان ایمانی که دارند، چنان روحیه ای پیدا می کنند که ده برابر جامعه کفر قدرت پیدا می کنند و تا غلبه بر دشمن از پا نمی نشینند. بدین ترتیب، درک و فهمی که جامعه مؤمن دارد وقتی با استقامت و صبر همراه باشد، توان چند برابری به جامعه می بخشد. سرّ این ضریب پیدا کردن و تقویت قدرت جامعه مؤمن در این است که هر اقدام آن ناشی از «ایمان» به خداست؛ ایمان به خدا چنان نیروی رادربازوان مردم ایجاد می کند که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و هیچ جریان متخاصمی در برابر آن تاب مقاومت ندارد.^۱ مقاومت جامعه ایران در قبال تهاجم آمریکائی - صهیونیستی از همین جنس است.

تهاجم دشمن آمریکایی - صهیونیستی به جامعه

ایران و جبهه مقاومت، با وجود تمام تجهیزات سنگین نظامی دشمن، محکوم به شکست قطعی است. اینکه یک طرف، تمام تجهیزات پیشرفته‌ی دنیا با هدف غلبه و بلعیدن ایران حاضر است و طرف دیگر، عزم و اراده‌ی نیروهای مقاومت بر تسلیم نشدن با تکیه بر ایمان الهی قرار گرفته است، نشان از یک «جنگ نامتقارن» دارد. **این دو جبهه، دو نحو از تجهیز و آمادگی نظامی را دارند: یکی در پی کسب منافع شخصی است و دیگری در پی تحقق وعده نصرت الهی است.** امت اسلامی باید از نسبت این جبهه‌ها آگاه باشد. همان‌گونه که امام شهید، تهاجم رژیم صهیونیستی به مردم غزه را این‌گونه جبهه‌بندی می‌کردند:

«امت اسلامی بایستی بداند قضیه چیست، میدان را تشخیص بدهد. میدان، میدان غزه و اسرائیل نیست، میدان حق و باطل است. میدان، میدان استکبار و ایمان است؛ یک طرف قدرت ایمان، یک طرف قدرت استکبار. البته قدرت استکبار با فشار نظامی و بمباران

و فاجعه و جنایت پیش می‌آید، [اما] قدرت
ایمان بر همه‌ی اینها به توفیق الهی غلبه
پیدا خواهد کرد.^۱

در حقیقت، بین دو جبهه ایمان و استکبار جنگ
نامتقارنی شکل گرفته است که تقابل آن‌ها مانند دو
کفه‌ی ترازو نیست که با پایین رفتن یکی، دیگری
بالا برود، بلکه سنخ وزن دهی به هریک از طرفین
متفاوت است. در این میان جبهه حق باید راهبرد
غلبه ایمان بر استکبار را در دستگاه محاسباتی خود
جانمایی کند.

فریضه توسل شبانه با بعثت مردم

از سحرگاه روز یازدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۴۷
مصادف با دهم اسفند ماه ۱۴۰۴ با اعلام شهادت رهبری،
انقلابی در میان جامعه ایران به پا شد. با شهادت
قائد امت در سراسر کشور، تجمعاتی شکل گرفت که
در شکل‌گیری و فراگیری آن‌ها، هیچ نهاد حاکمیتی
یا برنامه‌ریزی اجرایی یکپارچه‌ای در کار نبود. این

۱- بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانش‌جویان، ۱۰ آبان ماه ۱۴۰۲.

تجمعات، کالبد جدیدی برای توسل عمومی مردم ایجاد کرده بود که با محوریت خون امام شهید اقامه می‌شد. در این سنخ بی‌بدیل توسل، دستی غیبی در کار بود که این چنین مردم را برانگیخت و مبعوث کرد و همگی یک صدا خواسته‌های واحدی را سر دادند. به بیانی که حضرت امام خمینی رحمۃ الله علیه در توضیح چنین اتفاق خارق‌العاده‌ای می‌فرمایند:

«در انقلاباتی که در دنیا واقع می‌شود کم اتفاق می‌افتد - یا اتفاق شاید نیفتاده باشد - که این طور باشد که یک مطلبی را که در مرکز مملکت می‌گویند، همین مطلب در کوره ده‌های دور افتاده هم باشد؛ و آن مطلبی را که روشنفکران می‌گویند، همان را مردم بازار و کوچه و دهقان و کشاورز هم همان را خواستار باشد. [...] و یک گسترش دیگری که راجع به گروه‌ها و جماعات بود؛ بچه‌های دبستان - یا کوچکتر از آنها - همین وِردی^۱ را که همه مردم می‌گفتند، این‌ها هم می‌گفتند؛ کارگرها،

۱- وِرد، دعای زیر لب. منظور، شعارهایی است که مردم بر لب داشتند.

کارفرماها، معلمین، اجزای دادگستری، ملّاه‌ها، طلبه‌ها، روشنفکران - همه - یک مطلب می‌گفتند و با هم بودند. من این را این طور فهمیدم که یک دست غیبی در کار است. انسان هر چه هم بخواهد مثلاً روشنگری داشته باشد و هر چه هم بخواهد یک همچو امری واقع بشود به این گسترش نمی‌تواند واقع بشود. من این طور فهمیدم که خدای تبارک و تعالی در این مسأله نظر دارد و از آنجا اطمینان برآیم پیدا شد که پیروزی هست.»^۱

این فریضه توسل شبانه به شکلی دسته‌جمعی برگزار می‌شود که نه در یک محیط بسته و پناهگاه محافظت‌شده بلکه زیر آسمان و غیرمتمرکز در میادین شهرها و روستاهای سراسر ایران اما به صورتی یکپارچه و هماهنگ. در این توسل، حس استغاثه و ابراز تضرع و اضطراب به درگاه حق همراه بود با رجزخوانی برای گرفتن انتقام از شهادت امام امت اسلامی. در واقع، هم تجمعی برای مرثیه‌سرایی و

روضه خوانی و هم راهپیمایی حماسی و رزمایشی همچون یک رژه‌ی نظامی. این توسل جمعی، قالبی برای ایفای نقش مؤثر مردم جامعه در پیشبرد جنگ بود، به طوری که تقسیم کاری بین نیروهای نظامی در میدان و حضور مردمی در خیابان هم ایجاد نمود.

در این مجال باید به ماهیت این اقدام هماهنگ و سراسری در جامعه ایران دقت داشته باشیم. اینکه اساس آن برای توسل به درگاه الهی استوار است و به فرموده حضرت امام خمینی رحمۃ الله علیه باید دست غیبی و نظر داشتن خداوند متعال در این اتفاق را در محاسباتمان به حساب آوریم؛ چرا که **التفات به این جنبه‌ی الهی باعث فزونی ایمان در قلوب مؤمنین می‌شود.** همان گونه که خداوند متعال در آیه ۴

سوره مبارکه فتح می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، خاستگاه اولیه

در برگزاری این تجمعات برای ایجاد سکینه در دل‌ها داغ دیده در فراق رهبر شهید بود اما مضاف بر این تسکین در قلوب مردم، فزونی ایمان نیز حاصل

می‌شود. در نتیجه، با حضور در این تجمعات، ایمان مردم هم تقویت می‌شود. **همین توسل و ایمان به درگاه الهی طبق فرموده‌ی حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای رحمته‌الله همچون اکسیر اعظم و کبریت احمر عمل می‌کند و تضمین‌کننده‌ی پیروزی بر دشمن است و همچنین مزیت اختصاصی ملت ایران بوده و دشمن فاقد آن است.**

اصول عملی مرتبط

❖ توجه بخشی به دست غیبی خداوند در شکل‌گیری تجمعات شبانه

❖ پررنگ شدن توسل و ذکر الهی در مجموعه برنامه‌های تجمعات

❖ تعیین‌کنندگی پیروزی قطعی توسط حضور مردم در تجمعات

بحث تکمیلی

**گفتار آیت الله سید محمد مهدی میرباقری با
عنوان «از بدر تا ظهور»**

**در ویژه نامه اندیشه مقاومت ملی، شماره
یازدهم نشریه تأملات رشد**

از همان آغاز تاریخ اسلام، خداوند متعال طرح کلانی را برای حرکت جمع مؤمنین رقم زد؛ طرحی که نخستین جلوه های آن در جنگ بدر آشکار شد و بناست با همان قواعد و سنت های الهی تا عصر ظهور امتداد یابد. در این مسیر پرفرازونشیب، ملت ایران به دلیل ظرفیت هایی که از خود نشان داده، کارگزار محوری در پیشبرد این طرح الهی است. اما راز پیروزی در این میدان تنها به توانایی ها و ظرفیت ها محدود نمی شود؛ بلکه آن گونه که سنت الهی اقتضا می کند، شرط اساسی نصرت و پیشرفت، استغاثه ی پیوسته و خالصانه به خداوند در تمام جزئیات مسیر است.



معرفی صوتی این گفتار:



شرط دوم:
تقویت وحدت ملی با میدان داری
نیروهای انقلابی

متن پیام رهبر انقلاب:

«ثانیاً باید بر وحدت بین آحاد و اقشار ملت که معمولاً در مواقع مضیقه نمود خاصی پیدا می‌کند خدشه‌ای وارد نشود. این امر با صرف نظر کردن از نقاط مورد اختلاف تحصیل خواهد شد.»

در شرایطی که یکی از مهم‌ترین دستاویزهای دشمن، بروز اختلاف داخلی ملت ایران و شکل‌گیری جنگ داخلی است تا مردم جامعه روبه‌روی هم بایستند و در داخل به جان یکدیگر بیفتند، «وحدت بین آحاد و اقشار ملت» یک ضرورت اساسی است.

قطب‌نمای حب و بغض در نهان انسان

خوشآمد و بدآمد ما به قوه‌ی حبّ و بغض درون‌مان بستگی دارد. اهمیت و ارزش این قوه تا حدی است که طبق روایت شریفه: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ وَالْبُغْضُ»^۱ محور دین‌داری با حبّ و بغض تعریف می‌شود. در نگاه الهی مؤمن بایست محور حب و بغض خود را از

منافع و مقاصد شخصی جدا کرده و آن را متصل به حب و بغض الهی کند.

مهم‌ترین شاخص و ملاک برای الهی یا غیرالهی بودن محبت انسان، «محبت به ولایت» است. به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی رحمۃُ اللهِ عَلَیْهِ خدای متعال اگر می‌خواست در عالم جسمانی و مادی حضور پیدا کند، در آینه انبیاء ظهور پیدا می‌کرد.^۱ یعنی انبیاء و اولیاء الهی، جلوه تام توحید در عالم خاکی هستند. به همین دلیل اگر ما می‌خواهیم میزان موحد بودن خود را بسنجیم بایست حبت و بغض خود را در نسبت با حب و بغض ولی الهی سبک-سنگین کنیم. اگر حب و بغض ما متناسب با چیزی باشد که ولی جامعه به آن اعتقاد دارد تا همان اندازه می‌توان ادعا کرد که ما مؤمنیم اما اگر حب و بغض شخصی و بدون ضابطه داشته باشیم، معلوم نیست که در جبهه حق باشیم.

گرایش به پیوستگی و اتحاد اجتماعی

در هر جامعه‌ای بنا بر نحوه ساخت و معماری آن، دسته‌بندی خاصی بین اقشار مختلف قائل می‌شوند و معمولاً کلیت جامعه بر عواملی محوری ترسیم می‌شوند؛ در جامعه‌ی ایمانی، شاخص اساسی در نسبت با ولایت قرار گرفته و معیت با رسول خداست که نشانه اصلی آن شدت و غلظت و تنفر نسبت به کفار و هم‌چنین محبت و عطوفت و رحم و مهربانی در نسبت با مؤمنین است. بدین ترتیب، بر اساس محبت به ولی الهی و معیت با او، دسته‌بندی‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. آیه شریفه در این خصوص می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱. با این بیان مشخص می‌شود که محور وحدت در جامعه اسلامی حول ولایت ولی الهی شکل می‌گیرد. البته در جامعه ایمانی، معیت با ولایت دارای مراتبی است و هر چه که مرتبه معیت بالاتر باشد، محبت و عطوفت نسبت

به مؤمنین بالاتر بوده و همزمان بغض و عدم تبعیت نسبت به کفار نیز بالاتر خواهد بود.^۱

بالحاظ کردن ملاک فوق، جامعه ایمانی از مراتب مختلف ایمان تشکیل شده است و همه مؤمنین در یک مرتبه ایمانی قرار ندارند. نکته مهم در خصوص توجه به این مراتب مختلف، عبارت است از اینکه افرادی که در خود احساس اطمینان و قوت بیشتری احساس می‌کنند، بایست از افراد ضعیفتر دستگیری کنند؛ یعنی فضایی در جامعه ایمانی حاکم باشد که یک جبهه پیوسته و منسجم در مراتب مختلف آن شکل بگیرد. حضرت امیرمؤمنین علیه السلام در خطبه شریف قاصعه با توصیه به تجربه گرفتن از سرنوشت امت‌های پیشین بیان می‌کنند که «وَاجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فَقَرَّتَهُمْ وَأَوْهَنَ مُنْتَهُمُ»؛ یعنی بپرهیزید از عواملی که ستون فقرات امت‌ها را در هم شکست و نیرویشان را پراکنده و سست کرد. در حقیقت، حضرت می‌فرمایند که مهم‌ترین عامل

پیروزی یک امت، «وحدت و یکپارچگی» آن است. همچنین حضرت در خطبه ۱۲۳ بیان می‌فرمایند که: «هر یک از شما که در هنگام برخورد با دشمن در خود شجاعت و دلاوری احساس کرد و در یکی از برادرانش سستی و ترس دید، به خاطر این برتری شجاعت که به او عنایت شده، بایست آنگونه که از خود دفاع می‌کند، از برادرش نیز دفاع کند؛ زیرا اگر خدا می‌خواست آن برادر را مثل او قرار می‌داد.» طبق این بیان، در قبال نعمتی که خدای متعال به یک فرد یا جامعه اعطا می‌کند، به منظور شکر نعمت باید آن را در راه پیوستگی و اتحاد و یکپارچگی هر چه بیشتر صفوف جامعه اسلامی قرار دهد تا جایی که جامعه به گونه‌ای شود که یک دژ مستحکم و خلل‌ناپذیر شود. خدای متعال چنین جامعه‌ای را می‌ستاید و آن را محبوب خود می‌داند و در قرآن کریم بیان می‌کند که **«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ»**^۱. قومی که در راه خدا به مقاتله و جهاد پردازد - آن هم به گونه‌ای که دست

در دست یکدیگر داده و هیچ گونه خلل و راه ورودی بین آنها نیست - یک بنیان و سازه مستحکم و نفوذناپذیر خواهد شد.

ما در سیره و بیان رهبر شهید انقلاب نیز توجه به این اصل اساسی را بسیار مشاهده می‌کنیم و می‌توانیم آن را به عنوان یکی از اصول فکری ایشان حساب کنیم. ایشان سال‌ها پیش و در سلسله جلسات طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن به ارائه نگاه خود نسبت به پیوستگی و اتحاد جامعه اسلامی پرداخته‌اند. ایشان این حقیقت را در جامعه ایمانی ولایت معرفی می‌کنند:

«ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند، در یک راه دارند قدم برمی‌دارند، برای یک مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند، یک فکر را و یک عقیده را پذیرفته‌اند. هرچه بیشتر این جبهه باید افرادش به همدیگر متصل

باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر
و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار
بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم

نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت.^۱

ایشان مثل این اتحاد در جامعه اسلامی را مثل
یک عده کوهنورد می‌دانند که در راه صعب العبور
کوهستانی عبور می‌کنند. این افراد برای اینکه بتوانند
به قله برسند، بایست با هم حرکت کنند و به یکدیگر
متصل باشند تا اگر در خطر لغزش قرار گرفتند، بقیه
افراد بتوانند ارتباط و اتصال او را با جمع برقرار کنند.

جنگ اجتماعی، فراتر از جنگ نظامی

رهبر شهید انقلاب در یک سال گذشته و به خصوص
بعد از جنگ ۱۲ روزه، چندین مرتبه توصیه به اتحاد
ملی داشتند و آن را اساسی‌ترین عامل در پیروز
شدن یا شکست جامعه معرفی کردند. ایشان در
یک سال گذشته، حداقل در ۲۱ دیدار توصیه و
تاکید جدی بر وحدت ملی و نقش آن در پیروزی

ملت ایران بر دشمنان داشته‌اند. ایشان دریکی از دیدارها می‌فرمودند:

»آن نتیجه‌ای که در این حوادث، دشمنان به آن نتیجه رسیدند، این است که ایران را با جنگ، با حمله‌ی نظامی نمی‌توان به زانو درآورد؛ جمهوری اسلامی را با این ابزار و وسایل خشن نمی‌شود عقب راند. خب ۴۵ سال است که دارند این کارها را می‌کنند؛ روزبه‌روز جمهوری اسلامی قوی‌تر شده. دیدند راهش این است که در داخل اختلاف ایجاد کنند، در داخل نفاق ایجاد کنند... بین مردم اختلاف ایجاد کنند و چندصدایی در کشور به وجود بیاورند. امروز بحمدالله کشور متحد است. امروز مردم متحدند. اختلاف سلیقه هست، اختلاف سلیقه‌ی سیاسی، اجتماعی وجود دارد لکن در دفاع از نظام، دفاع از کشور، ایستادگی در مقابل دشمن، مردم امروز متحدند. این ائتّحاد به ضرر آنها است، این ائتّحاد مانع تجاوز و تعرّض آنها

است؛ این را می‌خواهند از بین ببرند. مراقب این باشید. اهل بیان، اهل قلم، آن‌هایی که حرف می‌زنند، آن‌هایی که می‌نویسند، آن‌هایی که تحقیق می‌کنند، آن‌هایی که توییت می‌زنند، بفهمند چه کار می‌کنند. این اّتحاد مقدّس، این اجتماع عظیم، این سپر پولادین از دل‌های مردم و اراده‌های مردم نباید خدشه‌دار بشود. امروز بحمدالله اّتحاد وجود دارد. این اّتحاد را مردم حفظ کنند. مسئولان کشور بخصوص مسئولان سه قوّه که بحمدالله امروز آنها هم در کمال اّتحاد و همدلی دارند با هم کار می‌کنند، این را حفظ کنند. خدمتگزاران کشور را مردم حمایت کنند؛ رئیس‌جمهور را حمایت کنند. رئیس‌جمهور، پُرکار و پُرتلاش و پیگیر است؛ عناصرِ این جور که پُرکار باشند، پُرتلاش باشند، پیگیر باشند، اینها را باید قدرشناسی کرد. اّتحاد بین ملّت و دولت، بین آحاد مسئولین گوناگون نظام، بین نیروهای مسلّح و مردم، بین آحاد مردم،

چیزی است که بایستی با همه‌ی وجود حفظ

بشود؛ این توصیه‌ی قطعی من است.»^۱

بر اساس این بیان، می‌توان گفت در نگاه رهبر شهید انقلاب هیچ‌گونه نگرانی‌ای ناظر به عرصه نظامی و تجهیزات و... در این جنگ وجود نداشته است. ایشان این جنگ را بیش از آن که نظامی تحلیل کنند، یک «جنگ اجتماعی» دانسته و عامل برتری رایکدستی و یکپارچگی ملت با تمام تفاوت‌ها و اختلاف سطوح می‌دانند.

وحدت در عین مرزگذاری

با توجه به نکاتی که گفته شد، سؤال می‌تواند مطرح شود که «چگونه باید این وحدت را ایجاد کرد و از آن حفاظت کرد؟» و نکته بعدی اینکه «دامنه این وحدت تا کجاست؟»

قرآن کریم در توصیه به ایجاد و حفظ وحدت بیان

۱- بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار به مناسبت شهادت حضرت رضا علیه السلام،

می‌کند که: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱ یعنی به حبل الهی تمسک جسته و از تفرقه و اختلاف پرهیز کنید. در روایات بیان شده است که مقصود از حبل الهی که افراد جامعه را به یکدیگر متصل می‌کند، حقیقت «ولایت» است. بنابراین عاملی که باعث وحدت جامعه اسلامی می‌شود، «تمسک و اتصال به ولی الله» است. همچنین در توصیه بعدی، قرآن کریم بیان می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»^۲. مرحوم علامه در تفسیر این آیه بیان می‌کنند که «اختلاف» به معنای بروز تفاوت در ناحیه اعتقادات و افکار است و «تفرّق» به معنای به جدا شدن از ناحیه جسمی و بدنی است. بنابر این توضیح، جدا شدن مسلمین در ناحیه ظاهری و ابدان، مقدمه‌ای است تا جماعت مسلمین به لحاظ فکری و اعتقادی نیز دچار اختلاف و تفرقه شوند. از این بیان نتیجه گرفته می‌شود که اگر

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۵: و[شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و[در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است؛

می‌خواهید جامعه ایمانی دچار تشتت و پراکندگی در ناحیه افکار و اعتقادات نشده و جماعت مسلمین بتوانند بر اساس یک فکر واحد حرکت کنند اولاً تلاش کنید تا میان شما به لحاظ ظاهری جدایی نیفتد و به یکدیگر مرتبط و متصل باشید تا از لحاظ فکری جدا نشوید و بتوانید بر اساس یک فکر واحد عمل کنید. بر اساس این توصیه قرآنی، اهل ایمان بایست در مرحله اول برای ایجاد و ارتقاء وحدت در میان خودشان، ارتباط و اتصال ظاهری بین خود را بالا برده و تلاش کنند تا از جریان عمومی مؤمنین، کسی جدا نیفتاده و تنها نشود. به همین جهت هریک از افراد در جامعه ایمانی بایست تلاش کند تا ارتباط و اتصال خود را با دیگر مؤمنین (در هر مرتبه‌ای که هستند) کثیر و قویم کرده تا بتواند با قدرت مقاومت بیشتری در برابر کفار مبارزه کند. **هر اندازه که ارتباط و اتصال میان مؤمنین در مراتب مختلف بالاتر باشد، میزان ایستادگی و استقامت آنها نیز بالاتر است.** برای رسیدن به این میزان از ایستادگی و استقامت نیاز است تا هر چه بیش از پیش بر روی آن نقطه اصلی

در زندگی جمع‌ی تکیه شود.

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم از حقیقتی پرده برداشته می‌شود که جان‌مایه وحدت جامعه ایمانی در مراتب مختلف آن است. خداوند متعال به جهت ارتباط و اتصال میان مسلمین و مسیحیان می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۱. با همه اختلافاتی که میان مسیحیت و اسلام در موضوعات مختلف موجود است، قرآن کریم با چشم‌پوشی از همه این اختلافات به حقیقتی توجه می‌دهد که ریشه اصلی دین است و آن حقیقت توحید و عبودیت حق تعالی است. قرآن کریم با محور قرار دادن کلمه توحید که در میان اهل کتاب و مسلمین به عنوان اصل پایه‌ای و اساسی پذیرفته شده است، به دنبال دست گذاشتن بر نقطه اشتراک

۱- سوره آل عمران، آیه ۶۴: بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد.

اساسی است که مایه وحدت میان انسان‌هاست تا از این طریق بتوانند در کنار یکدیگر با محوریت دین الهی و باور به حق تعالی زندگی کنند. در این نگاه، انسان‌ها مجاز به پذیرش دستورات از جانب کسی دیگری نیستند که از جانب خدا، حق حاکمیت ندارد. بدین ترتیب، هر کسی که بخواهد در رأس یک جامعه و حتی نظام جهانی قرار گیرد، بایست از جانب خدای متعال مشخص شده باشد. به عبارت دیگر، انسان‌ها بایست نظام عبادت و اطاعت خود را غیرالهی شکل دهند بلکه باید در عرصه اجتماعی بیشترین تلاش خود را صورت داده تا عبادت غیر خدا صورت نگیرد. با محوریت عبودیت و بندگی الهی در همه ساحات زندگی، وحدتی در زندگی اجتماعی حکم فرما خواهد شد که در آن، هر یک انسان‌ها متناسب با ظرفیت و توان خود تلاش برای ابراز عبودیت حق تعالی می‌کنند و تنها کسی که بخواهد به صورت آشکار و واضح با این جریان عبودیت در همه مراتب آن به مخالفت برخاسته و بخواهد در جبهه شیطانی فعالیت کند، از این گروه خارج می‌شود. در غیر

این صورت همه افراد یک جامعه با تمام تفاوت‌ها و اختلافات در وزن‌های مذهبی و اعتقادات دینی در یک جامعه تعریف می‌شوند و بایست تلاش کرد تا ارتباط و اتصال میان ایشان بیشتر شود.

اتحاد ملی، تنگه احد در جنگ رمضان

در یک نگاه کلان، آنچه محور اتصالات و نخ تسبیح جامعه ایمانی را شکل می‌دهد، «عبودیت حق تعالی» و تمسک به «ولایت الهی» است. قطعاً افراد مختلف جامعه نسبت به این محور، مراتب و تفاوت‌هایی پیدا می‌کنند و همگی را باید در جامعه ایمانی حفظ نمود. به بیان دقیق‌تر، **مادامی که افراد، خود را در نسبت محور عبودیت و ولایت تعریف می‌کنند، آن‌ها را باید از اتحاد جامعه ایمانی به حساب آورد و با تقویت پیوندها و ارتباطات میان اتحاد جامعه می‌توان اتصال آن‌ها با حقیقت ولایت را وثیق‌تر نمود.** همچنین مادامی که کسی دست به اقدام عملی علیه این وحدت اجتماعی نزند و در هم جبهگی با دشمن علیه جامعه ایمانی اقدام

نکند، مجاز به پس زدن او از جامعه و اقدام قهری و سلبی با او نیستیم. بدین ترتیب، یک راهبرد کلان در جامعه ایمانی، «حفظ اتحاد ملی» است که در اولین پیام رهبر انقلاب نیز به عنوان یک توصیه محوری و عمومی به همه مردم ایران گوشزد شده است.

اتحاد موجود در جامعه ایران را باید از نعماتی دانست که تنها از جانب حق تعالی به جامعه عطا شده است؛ همان گونه که قرآن کریم می فرماید: «فَالْفَّ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱؛ یعنی این الفت و اتحاد و یکدلی چیزی است که خدای متعال به ما ارزانی داشته است. مشخصاً دشمن به همین وحدت و اتحاد ملی چشم طمع دارد که غیر از عملیات نظامی با استفاده از تسلیحات سخت جنگی، عملیات رسانه‌ای آن برای این مهم متمرکز است. شخص رهبری ناظر به جنگ رمضان وزن جدی‌ای به این عرصه اختصاص می‌دهند:

«یک مسیر دشمن، عملیات رسانه‌ای او است»

که در این ایام، بطور خاص با نشانه‌گیری ذهن و روان آحادی از مردم قصد خدشه در وحدت ملی و به تبع در امنیت ملی را دارد. ما باید مواظب باشیم تا مبادا در اثر سهل‌انگاری و بدست خود ما این قصد شوم تحقق یابد. از این رو توصیه‌ام به رسانه‌های داخلی کشورمان با همه تفاوت‌های فکری، سیاسی و فرهنگی که ممکن است داشته باشند، این است که از پرداختن به نقاط ضعف بطور جدی خودداری کنند. در غیر اینصورت امکان وصول دشمن به مقصودش وجود دارد.»^۱

بنا بر توصیه رهبری به منظور ناکام گذاشتن دشمن در تضعیف وحدت ملی باید قدردان این نعمت باشیم و آن را در مسیر الهی به کار بگیریم؛ وحدت از جنس اقلام شکستنی است که باید «با احتیاط حمل شود!» و مادامی که مراقبت بر آن داشته باشیم، وجود دارد و به محض سهل‌انگاری به دست خود

۱- پیام نوروزی رهبر انقلاب حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵

ما منهدم می‌شود. بدین ترتیب، دائماً مراقبتی بر این مهم نیاز است تا صفوف مستحکم‌تر و قوی‌تری را شکل دهیم تا اجازه عرض اندام و ابراز وجود و تشکل‌یابی مخالفین وحدت‌شکن داخلی سلب شود؛ یعنی در عین اینکه موارد اختلافی را پیش نمی‌کشیم، روی نقاط مشترک دست می‌گذاریم و با زیرکی و تلاش، به جای آنکه افراد مخالف را خواسته یا ناخواسته از دایره وحدت اجتماعی بیرون کنیم، آن‌ها را در فضای متراکم وحدت و اتحاد هضم می‌کنیم. به عبارتی دیگر، امت حزب الله باید با حلم و ظرفیتی در جامعه حضور پیدا کنند و در روابط اجتماعی خود روی نقاط اشتراک توحیدی و ولایی تمرکز کنند تا این نقاط محوری در دل دیگران سرایت کند.

پس در یک جمله می‌توان گفت که تنگه‌ی احد در جنگ رمضان، «وحدت و اتحاد ملی» است و وظیفه‌ی رها نکردن این تنگه بر عهده‌ی تک‌تک مردم جامعه است. به‌طور خاص، نیروهای انقلابی باید علی‌رغم تهمت‌ها و طعنه‌هایی که می‌شنوند،

نه اینکه سکوت کنند بلکه باید برای حفظ اتحاد موجود و همچنین تقویت آن تلاش کرده و بایک نگاه بردبارانه افراد بیشتری را به جرگه نیروهای انقلاب اضافه کنند.

اصول عملی مرتبط

❖ مبارزه با افکار و جریان‌هایی که به وحدت ملی خدشه وارد می‌کنند

❖ پررنگ کردن نقاط قوت ملی و نپرداختن به نقاط ضعف داخلی

❖ تمرکز بر نقاط اشتراکی در راستای تقویت وحدت اجتماعی

❖ افزایش حلم و ظرفیت نیروهای انقلابی برای همراه کردن سایر اقشار مردم

بحث تکمیلی

مصاحبه با آقای دکتر محسن لبخندقی با عنوان
«انسجام اجتماعی ملت بر مدار فطرت»

در ویژه‌نامه اندیشه مقاومت ملی، شماره
یازدهم نشریه تأملات رشد

از همان آغاز تاریخ اسلام، خداوند متعال طرح کلانی را برای حرکت جمع مؤمنین رقم زد؛ طرحی که نخستین جلوه‌های آن در جنگ بدر آشکار شد و بناست با همان قواعد و سنت‌های الهی تا عصر ظهور امتداد یابد. در این مسیر پرفرازونشیب، ملت ایران به دلیل ظرفیت‌هایی که از خود نشان داده، کارگزار محوری در پیشبرد این طرح الهی است. اما راز پیروزی در این میدان تنها به توانایی‌ها و ظرفیت‌ها محدود نمی‌شود؛ بلکه آن‌گونه که سنت الهی اقتضا می‌کند، شرط اساسی نصرت و پیشرفت، استغاثه‌ی پیوسته و خالصانه به خداوند در تمام جزئیات مسیر است.



معرفی صوتی این مصاحبه:



شرط سوم:

طراحی نقش آفرینی موثر در امتداد
حضور مردم

ثالثاً؛ باید حضور مؤثر در صحنه حفظ شود؛ چه به صورتی که در این روزها و شب‌های جنگ از خود نشان دادید، و چه به صورت انواع نقش آفرینی‌های مؤثر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و حتی امنیتی. مهم این است که نقش صحیح، بدون خدشه به وحدت اجتماعی، به خوبی درک و تا حد ممکن به اجرا گذاشته شود.

حضور مردم در این شب‌ها و روزها در مساجد و میادین کشور، چهره‌ای از مجاهده و قتال جمعی را شکل داد که مصداقی از این آیه شریفه بود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (خداوند مومنانی را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدّی آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می‌دارد.) مردمی که صف به صف خود را در راه‌پیمایی و اجتماعات به یکدیگر رسانده و بنیان مرصوصی را می‌ساختند که دشمن

نتواند به آن نفوذ کند و جز نابودی خیمه نهایی دشمن هوایی نداشتند. گمان بسیاری بر این بود که بعد از گذشت چند روز، آتش و شور این حضور به خاموشی نزدیک شود؛ اما آنچه بروز کرد، استمرار این حضور و توسعه و تقویت روز افزون آن بود تا جایی که با ابتکارات مردمی، این جریان دائماً رنگ تازه‌ای به خود می‌گرفت.^۱

این هوشمندی و عمل به‌هنگام یک ملت و پایداری بر آن، حاصل یک حادثه و تصادف نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. برای واقع شدن چنین حضور مؤثر و پایداری، مولفه‌های مختلفی باید در فرهنگ و منش یک ملت تثبیت یافته باشد تا در هنگامه ابتلاء و آزمایش، این مولفه‌ها فعال شوند و بتوانند زمینه را برای چنین حضوری فراهم کنند.

خون امام شهید در رگ‌های امت

مهم‌ترین مؤلفه و رکن این بعثت مردمی را باید در «پیشگامی و جلوداری رهبر شهید انقلاب» یافت.

امام امت با شهادت خود نشان داد که در این نبرد و قتال، در صف اول مبارزه قرار دارد. شهادت او مهر تاییدی بر این پیام بود که جز با قتال و درگیری با این دشمنان پلید، راهی وجود نداشته و سعادت و کامروایی این ملت در گرو این نبرد است. این عنصر حیاتی، جنگ و نبرد را از یک حالت ممکن به یک ضرورت تبدیل کرد و باعث شد خون پاک ایشان، این بیداری و بعثت عمومی را در ملت ایجاد کند. شهادت در فرهنگ قرآنی، مقام شاهد و شفیع بودن است. این شهادت در حقیقت، صعود و بالارفتنی بود که دست امت را گرفت تا آن را به سوی مراتب بالاتر شفاعت و همراهی کند. پیوندی که مردم مؤمن و انقلابی ایران با رهبری شهید خود داشتند، ظرفیتی را در آن‌ها ایجاد کرده بود که با فقدان ظاهری ایشان به چشم همگان آمد و با فعلیت یافتن آن پیوند وثیق

بود که مسیر تبعیت و دنباله‌گیری فروگذار نشد. به بیان دیگر، آمیختگی و همجوشی میان امام و امت اگرچه که جدایی پیکر ایشان را سخت و طاقت‌فرسا کرد اما همین نسبت باعث شد که بعد از شهادت، امت به ابعادی از ظرفیت درونی خودش متوجه شود و شفاعت و دستگیری از جانب امام خود را به همراه داشت.

شهادت ایشان علاوه بر شوری که در عموم مردم ایجاد کرد، مسئولین را نیز در قامت جدیدی به حرکت انداخت. سال‌ها فرهنگ انقلاب اسلامی تلاش می‌کرد مسئولین را از جنس مردم و خادمان مردم معرفی کند. مسئولینی که در طی سالیان مختلف به جدایی و فاصله از ملت محکوم می‌شدند، اینک در خط مقدم مبارزه بودند. علاوه بر مسئولین نظامی و انتظامی و امنیتی، مسئولین اجرایی کشور و مشخصاً و مسئولین مرتبط با سیاست خارجی نیز در پیشانی این نبرد جای گرفتند؛ به طوری که جان تک‌تک آن‌ها در معرض ترور قرار گرفت. در چنین

شرایطی که دشمن تهدید به حذف همه مسئولین کرده است، نفس بقاء بر مسئولیت، خود جهاد و از خود گذشتگی است و تلاش برای بهبود وضعیت مردم با اتکاء بر این شجاعت و ایثار از چشم مردم دور نمی ماند. مردم وقتی ادراک کنند که مسئولین با ایثار خود در حال چنین خدمتی هستند، حتماً صحنه را ترک نمی کنند و به تبعیت از مسئولین در میدان حاضر می مانند. چنان که امام امت، امام خمینی رحمة الله علیه خطاب به مسئولین می فرمودند:

«وقتی مردم دیدند که شما در صدد خدمت به آنها هستید، طبیعی است که آنها هم کمک به شما می کنند... اگر اینطور بشود، بلاشکال مردم حاضرند.»^۱

البته این به معنای انفعال مردم نسبت به مسئولین نبوده و گاهی فعال شدن مسئولین و شدت فعالیت آن ها به مردم و مطالبه آن ها باز می گردد؛ اما حتماً این مسئولین هستند که وقتی در خط مقدم مبارزه قرار می گیرند و مردم این پیشگامی را می بینند،

باعث تقویت نقش مردم و نقش آفرینی موثرتر عموم می‌شود. مواجهه این مردم، مثل قوم بنی‌اسرائیل نیست که به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ^۱». بلکه در پی تصمیم‌گیران و مسئولین امر قیام کرده و درگیر میدان می‌شوند. در این صورت، مردم مسائل جنگ و کشور را از خود می‌دانند و نسبت به سرنوشت آن احساس تکلیف می‌کنند. مثلاً وقتی بحث از امکان آتش بس مطرح می‌شود، برای نظر خود نقش جدی قائلند و آن را به هر نحوی منعکس می‌کنند تا به گوش مسئولین و فرماندهان این نبرد برسد.

فرصت حضور مؤثر مردم

علاوه بر جوش و خروشی که با شهادت رهبری امت در وجود مردم غلیان پیدا کرد، گل و شالوده‌ی ملت ایران طی بیش از چهار دهه گذشته، با عزت نفس سرشته شده است و ذاتاً ذلت نمی‌پذیرند. این احساس بزرگواری و کرامتی که مردم ایران در

وجود خود دارند، به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که در قبال انحرافات عناصر داخلی و همچنین فشار و تحریم‌های خارجی سکوت نکنند و مطالبه‌گر باشند.

در واقع، این احساس عظمت و عزتی که مردم ایران در وجود خود دارند، به عنوان میراث انقلاب اسلامی به حساب می‌آید که رهبران الهی آن در وجود مردم نهادینه کردند. ارزش و ضرورت این عنصر در وجود مردم به گونه‌ای است که احساس عزت نفس به عنوان زمینه‌ای برای ایفای نقش مؤثر مردم در میدان اجتماع خواهد بود؛ یعنی بدون احساس عزت نفس، مردم برای خود و عمل خود احساس مفید بودن قائل نیستند و نسبتی با میدان عمل اجتماعی پیدا نمی‌کنند. ملتی که خود را رشید و با عظمت بیابد، در میدان‌های مختلف و در بزنگاه‌ها حاضر می‌شود و نقش‌آفرینی می‌کند.

این ارج نهادن برای آحاد مردم و التفات به نقش اختصاصی آن‌ها درست، نقطه مقابل راهبردی است که مستکبران عالم طبق آن در حق مردم روا

می‌دارند و مایلند با تحقیر، ملت‌ها را کوتاه‌نظر نگه دارند. قرآن کریم در مورد این سیاست استکباری و فرعون‌ی اینگونه می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»^۱ (پس او قومش را سبک مغز و خوار شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند.) **سیاست فرعون‌ی مردم راپست و حقیر می‌کند تا از این طریق بتواند آن‌ها را به بردگی بگیرد.** این تحقیر و تخفیف ملت از طریق پایین نگه داشتنِ درک و عقول و آرزوهای مردم امکان‌پذیر است.^۲ ملتی که خود را بی‌مقدار بداند، نقش مهمی برای خود در مقابل ابرقدرت‌ها نیز قائل نیست.

جامعه ایران، با عزت نفسی که مورد تاکید رهبر شهید انقلاب بود، برای خود و نظراتش ارزش و اثرگذاری جهانی قائل است و در موضع نیاز، فعالانه وارد میدان شده است. چنین ملتی نسبت به زوایای مختلف

۱- سوره زخرف، آیه ۵۴.

۲- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۱۱.

نبرد، تحلیل و نظر اختصاصی دارد و به سادگی از آن‌ها کوتاه نمی‌آید. ملتی که این‌گونه صاحب تحلیل به‌روزی باشد، اقدام به موقع هم خواهد داشت. طبعاً با پیش آمدن نبردی مانند جنگ رمضان صرفاً خواننده اخبار لحظه‌ای نیست بلکه خود را در این نبرد مؤثر می‌بیند و دائم به آرمان‌ها و اقدامات لازم برای رسیدن به آن آرمان‌ها نظر دارد.

اینجاست که سیاست استکبار فرعون‌ی که از طریق مترفین و اصطلاحاً سلبریتی‌های دنیاگرا بر جامعه اعمال می‌شود، شکست می‌خورد و این جامعه رشید در عین اینکه به خواص و نخبگان فکری نظر دارد و از آنان آگاهانه خط فکری می‌گیرد، منتظر سلبریتی‌ها نمی‌ماند؛ بلکه به آنان می‌تازد و از آنان مطالبه نقش جدید می‌کند. به عبارت دیگر چنین جامعه‌ای از منطق تقلید بر اساس تهییج و تحریک احساسی پیروی نمی‌کند.^۱ بلکه منطق استقلال و عقلانیت در تصمیم‌گیری حرف اصلی را می‌زند.

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۹۳.

خلاصه اینکه، حضور مؤثری که این شب و روزها در قالب‌های مختلف جلوه کرده است، حاصل فعال شدن و کنار هم قرار گرفتن عناصر و مولفه‌های مختلفی است که باید به آن‌ها توجه داشت و شکر آن را به جا آورد. شکر این نعمت به توجه عالمانه و به کارگیری درست آن در شرایط موجود است و از طریق این شکر، نعمت فزونی یافته و زمینه بروز مراتب بعدی این حضور فراهم می‌شود.

امام و رهبر شهید ما همواره تاکید داشتند که سیاست قرآنی انقلاب اسلامی در مقابل سیاست استکبار، توجه به این حضور و نقش مردم و ایجاد زمینه‌های بروز آن است:

«این سیاست راهبردی امام بزرگوار است: آوردن مردم وسط صحنه، سپردن پرچم مبارزه به دست مردم. در مقابل این سیاست، یک سیاست راهبردی دیگر وجود دارد؛ نقطه‌ی مقابل این. آن سیاست چیست؟ بیرون آوردن مردم از صحنه، کشاندن مردم به بیرون

از میدانِ هم‌آوردی و مسابقه و رزم. این سیاستِ کیست؟ سیاست دشمنان انقلاب است؛ سیاست آمریکا، سیاست قدرتمندان عالم، سیاست صهیونیست‌ها، سیاست کمپانی‌های استثمارگر صهیونیستی در سراسر جهان این است. این سیاست، چهل سال است در کشور ادامه دارد. امروز این سیاست با نهایت رذالت دارد فَعَالِیَّت می‌کند؛ به این توجّه کنید. تلاش می‌کنند که مردم را از صحنه خارج کنند.»^۱

وقتی مردم در صحنه حاضر شوند، هنگامه نزول برکات و بروز فتح و پیروزی‌هاست. قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: «فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۲ (یقیناً خدا تو را بس است؛ او کسی است که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت). خدای متعال سرّ شکست‌ناپذیری نبی اکرم ﷺ در مقابل کفار را، اتّکای به خدای متعال

۱- .بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار مردم قم، ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

۲- .سوره انفال، آیه ۶۲.

ذکر می فرماید که از طریق نصرت الهی و حضور مردم در صحنه جلوه می کند؛ بنابراین، وقتی مردم در صحنه حاضر می شوند، دست قدرت الهی در صحنه حاضر شده است و علت آن، آیه ای است که بلافاصله بعد از آن ذکر می شود و تاکید می کند که حتی نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز توان این تألیف قلوب و حضور یکپارچه و یکدست مؤمنین در صحنه را به تنهایی ندارد بلکه این حضور حق در میدان است که در قالب حضور مردم جلوه یافته است: **«وَالْفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ»**^۱ (و میان دل هایشان الفت و پیوند برقرار کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت اندازی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است).

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۱۸.

۲- سوره انفال، آیه ۶۳.

اکسیر عزم مردم در میدان

در ماجرای جنگ احد، ترک صحنه قتال توسط عده‌ای از مسلمانان و سرپیچی از فرمان الهی پیامبر، پیروزی اولیه مسلمانان را به شکستی تلخ مبدل ساخت و مایه عبرت تاریخ شد. اما قرآن کریم در ادامه این ماجرا، نشان می‌دهد که چگونه مؤمنین با نقش‌آفرینی خود از دل شکست و جراحات، بذر پیروزی را می‌رویانند. قرآن کریم تاکید می‌کند که خروج شما از میدان و رویگردانی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به بهای متاع دنیا، سبب شکست در جنگ احد شد. این امر غم و پشیمانی را در جمع مؤمنین پدید آورد. بر اساس همین غم و پشیمانی بود که توبه جمعی واقع شد و بلافاصله خداوند پیروزی بزرگی را نصیب سپاه اسلام کرد.^۱

یک روز پس از شکست مسلمانان در احد، مشرکین قصد حمله دوباره به مدینه را داشتند تا کار مسلمانان را یکسره کنند. پیامبر خدا فرمان حرکت به سمت

۱- .المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۵.

حمراء الاسد در نزدیکی مدینه را فرمودند، اما فقط بازماندگان جنگ احد، اجازه شرکت در این نبرد را داشتند؛^۱ یعنی آنان که در جنگ احد فرار نکرده بودند و قاعدتاً با توجه به سختی جنگ، احتمالاً خسته و زخمی شده بودند. خدای متعال به واسطه این حضور و اخلاص، اجر و پاداش عظیمی برای این گروه مقدر فرمود: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۲ (برای نیکوکاران و تقوایپیشگان از کسانی که خدا و رسول را پس از آنکه زخم و جراحت به آنان رسیده بود [برای جنگی دیگر بعد از جنگ احد] اجابت کردند، پاداشی بزرگ است)

در این میانه، منافقان که همواره امتداد دشمن خارجی در میان مردم هستند، در میان لشکر شایعه پراکنی کرده و به دنبال ایجاد ترس و وحشت بودند؛ چرا که تنها از این طریق می‌توانند عزم مردم را سست

۱- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۷۲.

کرده و به پیروزی نزدیک شوند. اما مومنان که مراتبی از خلوص را در مراحل پیشین نبرد گذرانده بودند، نه تنها نترسیدند بلکه با شنیدن این خبر ایمانشان افزون تر شد: «فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۱

تاریخ نقل می کند که جاسوسان به ابوسفیان خبر دادند که مؤمنین با عزم راسخ در حال حرکت هستند. این عزم آن مقدار راسخ است که گویی جان برای آن ها اهمیتی ندارد. وقتی خبر تشکیل چنین سپاه با ایمانی به مشرکان رسید، چنان هراسی بر دل آن ها افتاد که بدون درگیری پا به فرار گذاشتند. مومنان نه به قوای نظامی بلکه به واسطه عزم و ایمانشان که به صحنه آوردند، این پیروزی را رقم زدند.^۲

در چند آیه قبل تر، خدای متعال پرده از رازی برداشته و قاعده پیروزی مؤمنین با تکیه بر عزم خود را اینگونه ذکر فرموده است: «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ

۱- .سوره آل عمران، آیه ۱۷۳.

۲- .المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۳.

بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا^۱ (به زودی در دل کافران - بدان سبب که چیزهایی را شریک خدا قرار دادند که خدا هیچ برهانی بر شریک بودن آنها فرو نفرستاده است - هراس می افکنیم).

حضور به هنگام مردم در صحنه مبارزه، جنود خوف و رعب را بر قلوب کافرین مسلط می کند و این راز پیروزی های الهی است که از طریق حضور و نقش آفرینی مردم واقع می شود و باعث عقب نشینی کفار می شود؛ هرچند این حضور ظاهراً هیچ ارتباط مستقیمی با ادوات ظاهری دشمن و تخریب آنها ندارد، اما پیروزی که با لشکریان خوف و رعب در دل کفار حاصل می شود و فعال سازی این لشکریان با همین حضور به هنگام مردم در صحنه شکل می گیرد.

از حضور تا نقش آفرینی

نفس حضور مردم در میدان و استمرار آن، مایه برکات

۱- . سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

و نشانه نصرت و یاری الهی است. اما استمرار و تقویت آن برای جلب پیروزی نهایی نیازمند نقش آفرینی مؤثر در میدان‌های مختلف است. **شاخص موفقیت در این نبرد مردمی آن است که حضور و نقش آفرینی مردم در این روزها باید از حضور مؤثر و ضروری در خیابان‌ها و میادین شهری به حضور در نقش‌های مختلف اجتماعی کشیده شود و مردم پایه‌پای مسئولین، زمام‌امور در حوزه‌های مختلف را بر عهده بگیرند.**

همان‌طور که در شکل‌گیری این تجمعات و خدمات اجتماعی دوران جنگ، مردم به حرکت افتادند و خود را به صحنه نبرد رساندند، امتداد آن نیز با همین نقشه و طرح عملیاتی پیش می‌رود. با این تفاوت که به واسطه حضور فعال مردم در این روزها و شب‌ها، ابعاد و نقشه و الگوی حرکت‌های مردمی در حال آشکار شدن است. محوریت مساجد در محلات، نقش آفرینی زنان در ابعاد فرهنگی و خانوادگی، الگوهای جمعی خدمت‌رسانی، تأمین امنیت مردمی با

تشکل‌های خودجوش مردمی و... همگی در حال نمایان ساختن طرح و نقشه‌ای هستند که باید با تکیه بر آن‌ها، امتداد این نقش‌آفرینی را با نظام بالاتر و دقیق‌تر طراحی و عملیاتی کرد و البته از اکسیر عزم و عاملیت مردم که شکافنده و برهم‌زننده ساختارهای بی‌فایده و پوسیده و سامان‌بخش طرح‌ها و الگوهای نوین و مردمی است، غافل نشد؛ تا در عین حفظ نظام و وحدت اجتماعی، تحول در حال وقوع را نیز تدبیر کرد.

در این حضور و نقش‌آفرینی، کماکان امام جامعه، جلودار است و تنگه‌های احد را او مشخص می‌کند. مؤمنین نیز با تبعیت از ایشان و در لبیک به ندای ایشان، نقش خود را در میدان می‌یابند. مسئولین باید ذیل ولیّ جلوداری کنند و مردم نیز آن‌ها را با مطالبه به جلوداری بکشانند و نقش فعال و ویژه خود را با دستان خود بسازند و محافظت کنند. هر کس با توان و امکاناتی که از پیش برای خود آماده کرده، می‌تواند نقش ایفا کند و باید اولاً خود و ثانیاً توان و

امکانات خویش را برای یاری ولیّ به میدان بیاورد.

اصول عملی مرتبط

❖ مبارزه با موانع حضور مردم در صحنه و عوامل به هم‌زننده آن

❖ حفظ و ارتقای فهم و بصیرت مردم نسبت به دشمنان و میدان مبارزه

❖ محافظت از عاملیت خودجوش مردم در صحنه‌های اجتماعی

❖ توجه به راهبردهای ولیّ جامعه برای یافتن نقش خود

بحث تکمیلی

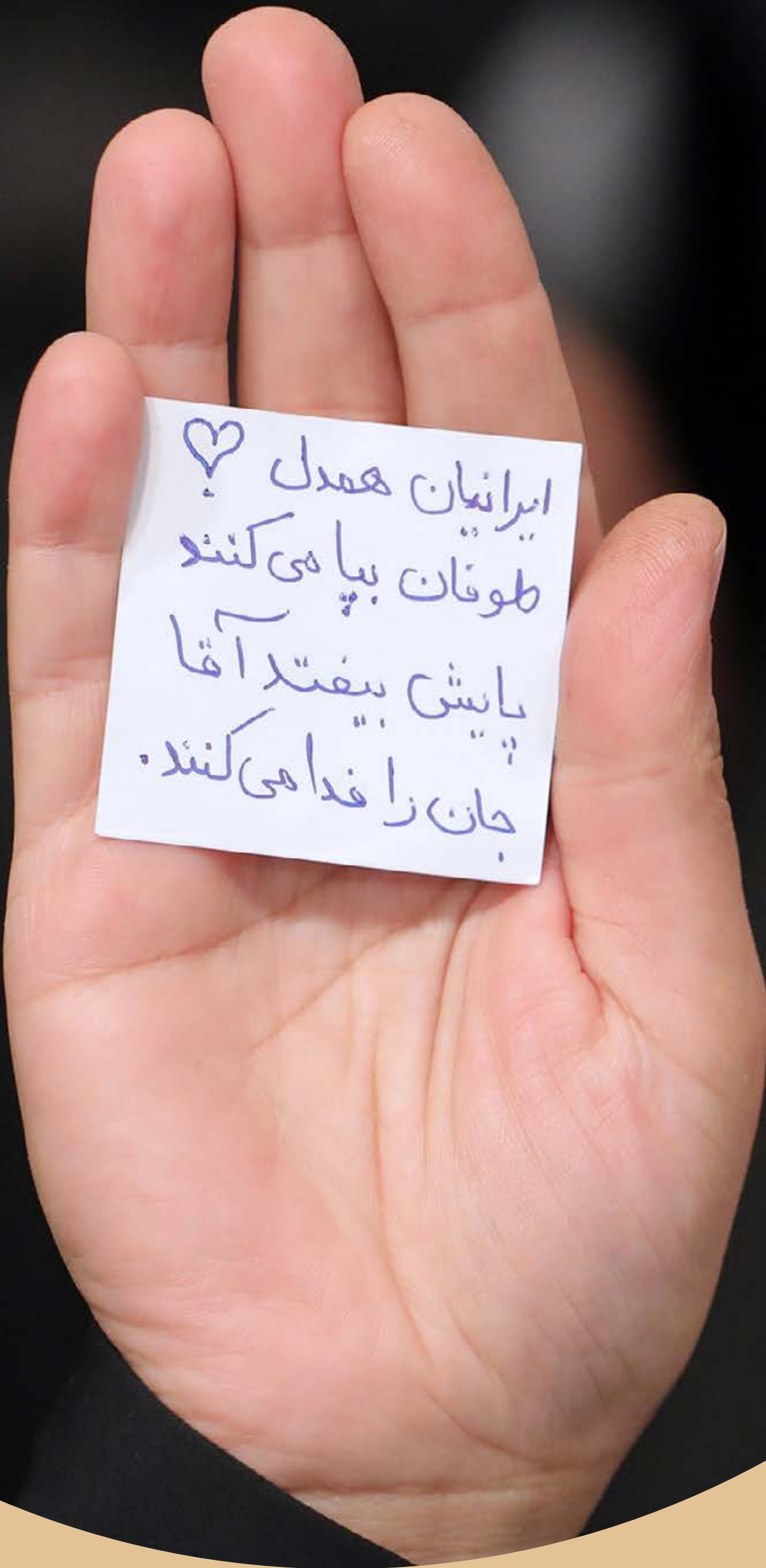
گفتار استاد اصغر طاهرزاده با عنوان «حضور تاریخی ملت»

در ویژه‌نامه اندیشه مقاومت ملی، شماره یازدهم نشریه تأملات رشد

تقدیر الهی، ملت ایران را در جایگاهی تاریخی نهاده است که بتواند نقشی جهانی و آخرالزمانی ایفا کند؛ جایگاهی که فراتر از یک نزاع سیاسی یا نظامی، به صحنه رویارویی دو تمدن معنا می‌دهد: تمدنی مادی که جز توسعه استیلا و سلطه نمی‌شناسد، و تمدنی قدسی که آزادی حقیقی و عبودیت الهی را جست‌وجو می‌کند. در این میدان، اصل وجود ملت ایران، خود نفی استکبار است و همین حضور تاریخی، معنای حقیقی پیروزی را آشکار می‌سازد. هر فرد در این نقش‌آفرینی سهم دارد؛ از فرمانده‌ای در میدان نبرد تا مادری در خانه، همه جزئی از این حضور تاریخی‌اند. این مشارکت همگانی، تجربه‌ای متعالی از زندگی را رقم زده و نقطه عطفی در تغییر معادلات تاریخ معاصر و زمینه‌سازی برای آینده موعود شده است.



معرفی صوتی این گفتار:



ایرانیان همدل
طوفان بپای می کنند
بایش بیفتد آقا
جان را فدای می کنند.

شرط چهارم:

ایجاد شبکه خدمت مؤمنانه میان
مردم

متن پیام رهبر انقلاب:

” رابعاً از کمک و یاری به یکدیگر فروگذار نکنید. بحمدالله خصلت همیشگی بیشتر ایرانیان جز این نبوده و انتظار می‌رود که در این روزهای خاص که طبعاً بر بعضی از آحاد ملت سخت‌تر از بقیه می‌گذرد، این مطلب جلوه بیشتری داشته باشد. در همین مجال از دستگاه‌های خدماتی می‌خواهم که در این جهت از هرگونه یاری و اعانت به آن آحاد عزیز ملت و به ساختارهای مردمی امدادی دریغ ننمایند.“

جنگ کنونی ایران با دشمن آمریکایی- صهیونیستی به عنوان یک ابتلاء، بابتی به روی جامعه ایرانی گشوده است تا از طرفی، چهره واقعی و خود حقیقی ملت ایران را به دنیا نشان دهد و از طرفی دیگر، میدانی را فراهم کرده تا جامعه ایرانی بتواند با سبقت گرفتن در خیرات، به مراتب بالاتری از ایمان دست یابد: «لِيَبْلُوكُمْ فِيمَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱. از این زاویه، ابتلاء جنگ،

«مرقات» و نردبانی است که فرصتی برای ارتقاء و افزایش ایمان و جهشی در مرتبه وجودی مؤمنین فراهم می‌کند: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ... وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا»^۱. در واقع، ابتلاء از این منظر، یک نعمت محسوب می‌شود که با مواجهه‌ی صحیح جامعه، یقظه و بیداری ایجاد نموده و می‌تواند بدین واسطه سرعت و شدت سیر توحیدی خود را افزایش دهد.

فرصت بروز واقعیت جامعه در روابط اجتماعی

ظرفیتی که ابتلاء جنگ برای جامعه فراهم کرده در ساحت روابط اجتماعی قابل رصد است. اینکه چه سنخی از روابط اجتماعی در جامعه تراکم پیدا کند، نشان می‌دهد که کلیت جامعه به چه سمتی در حرکت است. سنخی از روابط اجتماعی، «روابط تسخیری یک طرفه» هستند. این سنخ از روابط بر پایه سلطه و بهره‌کشی استوار است. افراد قدرتمند،

ضعیفان را به خدمت گرفته و استثمار می‌کنند. این رابطه مبتنی بر اصل «تنازع بقا» است که در آن هرکس تنها به فکر منافع خود است و دیگران را وسیله‌ای برای پیشبرد اهدافش می‌داند. با تراکم این سنخ از روابط تسخیری در جامعه، زندگی گروهی بر پایه کار و رنج گروه دیگر بنا شده و استثمار به معنای واقعی «چیدن میوه زحمت دیگری» اتفاق می‌افتد. نمونه‌های عینی این روابط در جوامع کفار به هنگام بروز حوادث، بحران‌ها و بلایا، روابط کاملاً تسخیری و استعماری به وضوح دیده می‌شود.^۱

به طور نمونه، در جنگ روسیه و اوکراین، شاهد افزایش چند برابری قیمت گندم و مواد غذایی در سطح جهانی بودیم که کشورهای ثروتمند با خرید و احتکار، بحران گرسنگی را در کشورهای فقیر آفریقایی و خاورمیانه تشدید کردند. همچنین در دوران همه‌گیری کرونا، کشورهای قدرتمند با خرید و انباشت واکسن، دسترسی کشورهای فقیر را ماه‌ها

به تأخیر انداختند. در داخل این جوامع نیز، هجوم برای خرید ماسک و مواد ضد عفونی به حدی بود که بیمارستان‌ها با کمبود شدید مواجه شدند، در حالی که عده‌ای با احتکار و فروش با قیمت‌های گزاف سودهای کلان به دست آوردند. در بحران اقتصادی ۲۰۰۸ نیز، بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ که خود مسبب بحران بودند، با کمک‌های مالی دولت از جیب مردم نجات یافتند، در حالی که میلیون‌ها نفر شغل و خانه خود را از دست دادند.

قرآن کریم به صراحت با این نظام نابرابر مخالفت کرده و می‌فرماید: «وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۱. یعنی نظام ارباب و رعیتی، نظام استثمارگر و استثمارشده، و نظام نابرابری باید ملغی شود و هیچ‌کس حق بهره‌کشی و بنده‌سازی دیگری را ندارد.

بر خلاف سنخ روابط تسخیری که در جوامع کفار، به شکل متعارف و مرسوم حاکم است، در جوامع دینی

سنخ دیگری از روابط برقرار است که پایه‌ی شکل‌گیری اجتماع را ایجاد می‌کند؛ این سنخ از روابط، «روابط اجتماعی عادلانه» است که خداوند اولاً به برقراری این سطح از روابط امر می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱؛ از اهداف مهم انبیاء در اجتماع، تحقق عدالت توسط خود مردم است. در این سنخ از روابط، حقوق و تکالیف مطرح می‌شود و افراد در روابط خود باید حقوق یکدیگر را رعایت کرده و از مرز حقوق خود نباید تجاوز کنند. بر اساس آیه شریفه «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا»^۲، از آنجا که خداوند انسان‌ها را با استعدادها و مزایای متفاوتی آفریده است، این تفاوت‌ها زمینه را برای تسخیر متقابل و طرفینی فراهم می‌کند؛ یعنی هر کس در زمینه‌ای که توانایی بیشتری دارد، می‌تواند دیگران را به خود جذب کند و متقابلاً در زمینه‌هایی که نیاز دارد، از توانایی‌های دیگران بهره‌برد. لذا همه افراد

۱- حدید، آیه ۲۵

۲- زخرف، آیه ۳۲

هم می‌توانند مسخر شوند و هم می‌توانند مسخر کنند. نمونه این سنخ روابط، جامعه دینی است که مردم آن علاوه بر شرایط عادی، حتی در شرایط بحرانی دزدی نمی‌کنند، کالاهای اساسی را به قدر نیاز تأمین می‌کنند، قوانین کشور را رعایت می‌کنند و....

مبتنی بر این سنخ از روابط عادلانه در اجتماع، به هنگام ابتلائات و بسته به مرتبه ایمانی، سنخ دیگری از روابط اجتماعی آشکار می‌شود که مرتبه‌ای بالاتر از عدالت می‌باشد و در فضای احسان و خدمت، معنادار هستند و به عنوان «روابط اجتماعی خادمانه» انجام می‌شوند. این دو سنخ روابط اجتماعی، بنا بر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۱ در واقع دو رکن ساخت جامعه دینی هستند. در سنخ روابط خادمانه، خداوند امر می‌کند که نه تنها پا روی حقوق مردم نگذارید و تجاوز به حقوق مردم نکنید، بلکه از حقوق مشروع خود، به مردم نیکی کنید و روابطی خادمانه برقرار کنید. این همان رکن احسان

است. «منظور از احسان، احسان به غیر است نه اینکه فرد صرفاً کار خیری را انجام دهد، بلکه خیر و نفع خود را به دیگران هم برساند، آنهم نه به صورت پاسخ یک خوبی با خوبی، بلکه خیر دیگران را با خیر بیشتری تلافی کند، و شر آنان را با شر کمتری مجازات کند و نیز آغازگر خیر رساندن به دیگران باشد.»^۱

در این سنخ از روابط، افراد نه بر اساس صرف نیاز، بلکه فراتر از آن مبتنی بر محبتی که نسبت به یکدیگر دارند، از نیاز و حق خود گذشت کرده و به ایشار روی می آورند و روابطی خادمانه شکل می دهند.

در رابطه خادمانه فرد به دنبال گرفتن حق خود نیست، بلکه در عین کمال احتیاج به حق و مال خود، دیگری را بر خود مقدم می دارد.

اهمیت این سنخ از روابط در این است که ویژه جامعه ایمانی بوده و در دیگر جوامع غیردینی به هیچ وجه محوریّت ندارد. گرچه ممکن است به صورت فردی

در دیگر جوامع هم، چنین روابطی دیده شود، اما هیچگاه محور جامعه نخواهند بود. اما بالعکس در جامعه دینی که مراتب ایمانی را طی کرده است، روابط از ابتناء بر عدالت و رعایت حقوق و تکالیف فراتر رفته و مبتنی بر ارتباطات حبّی و با محوریت احسان و خدمت طرفینی است. لذا چهره واقعی جامعه ایمانی، روابط حبّی و خدمت محور است و با ایجاد و تقویت این سنخ روابط است که ساخت مراتب بالاتر ایمان در جامعه فراهم می شود.

روابط خادمانه، واقعیت جامعه ایران

با قرار گرفتن جامعه ایران در ابتلاء جنگ رمضان، فرصتی برای ایجاد و تقویت روابط حبّی و خدمت محور فراهم شد. توصیه رهبرانقلاب در پیام نوروزی به خدمت رسانی و کمک های مؤمنانه نسبت به یکدیگر و به ویژه آسیب دیدگان در همین راستا قابل تحلیل است:

» «باید از کسانی که در این روزها در کنار حضور در میادین و محلات و مساجد با تلاش مضاعف

نقش اجتماعی خود را پررنگ‌تر می‌نمایند
 بطور خاص تشکر کنم. از جمله بعضی
 واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی
 و از جمله بعضی اصناف خدماتی و بخصوص
 افرادی که صرفاً انواع خدمات مفید را بدون
 اینکه شغلشان اقتضاء کند، بطور رایگان به
 مردم ارائه می‌کنند و الحمدلله به وفور از این
 نوع وجود دارد.»^۱

در واقع، رهبری معظم از تهدید شرایط جنگی،
 فرصتی جهت نمایان ساختن چهره واقعی ملت
 ایران و نیز ساخت مراتب ایمانی بالاتر جامعه خلق
 کردند. به طوری که در فضای جنگ، منِ انسانی، با
 پیوندهای برادری در مساجد، با احساس مسئولیت
 نسبت به هم خانواده‌های محله‌ای و با حمایت از
 خانواده‌های غریبه‌ای که در شهرهای بمباران شده
 آواره شده‌اند، می‌تواند تا افقی به وسعت تمام امت
 گسترش یابد. مانند رزمنده‌ای در خط مقدم، جان‌ش
 را برای حفظ جان وطنش فدا می‌کند، یا مردی به

۱- پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

آوربرداری خانه‌های تخریب شده در جنگ می‌پردازد، یا وقتی زنی در پشت جبهه، علاوه بر مدیریت سخت خانه، پرستاری از مجروحان جنگی را برعهده می‌گیرد.

انسان هرچه بیشتر خدمت کند و دایره دغدغه‌اش را وسیع‌تر نماید، بر دلها حکومت می‌کند و دیگران را نیز از خویشتن می‌بیند. یکی از نکات آیه «**إِنْ أَحْسَنْتُمْ** **أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ**»^۱ نیز مؤید همین سخن است که هر احسان و خدمتی به افراد دیگر، در واقع خدمت به نفس خود انسان است. یعنی ثمره و تأثیر این خدمت به خود فرد احسان کننده برمی‌گردد. مطابق آیه شریفه انسان به هر میزان که به دیگران احسان کند، نفسش به همان میزان توسعه پیدا می‌کند و خوبی به دیگران در واقع خوبی به خودش محسوب می‌شود.

الزامات خدمت مؤمنانه

در فرهنگ قرآن ابعاد و مختصات مختلفی برای عرصه خدمت ذکر شده است. یکی از الزامات خدمت در جامعه دینی انجام آن به صورت مردمی و جمعی است. خداوند در آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۱ وظیفه تعاون و همکاری در امور خیر را بر عهده آحاد مؤمنین قرار داده و صرفاً بر عهده حاکمیت نگذاشته است. گرچه از وظایف حاکمیت خدمت‌رسانی و تأمین نیازهای مردم می‌باشد، اما به معنای رفع این تکلیف از مردم نیست. لذا تک‌تک مردم باید نسبت به کمک و یاری نیازمندان احساس تکلیف کرده و آنچه در توان دارند را در خدمت آسیب‌دیدگان قرار دهند.

رهبر شهید انقلاب نیز در بیماری همه‌گیر کرونا که عده‌ای از مردم در آن آسیب دیدند و از لحاظ درآمد و زندگی دچار مشکلاتی شدند به همیاری و مشارکت همگانی مردم تأکید کردند و فرمودند:

«یک عده‌ای واقعاً دچار آسیب‌های جدی شدند و مشکلات فراوانی برایشان پیش آمد. این را باید جبران کرد؛ چه کسی جبران کند؟ مردم. نمی‌شود همه‌ی بار را بر دوش دولت گذاشت؛ البته مسئولین دولتی و شبه‌دولتی وظایفی دارند که باید انجام بدهند و انجام هم می‌دهند. ما مطلعیم که دارند کار می‌کنند لکن اینها کافی نیست و بایستی عموم مردم همچنان که در آن جریان اوّل کمک مؤمنانه در آستانه‌ی ماه رمضان وارد شدند و به معنای واقعی کلمه کمک کردند، باز هم همین [کار] انجام بگیرد. این «تسابق الی الخیرات» است. ما در قرآن چند جا داریم که «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ یا «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصّٰلِحِينَ». یک جا [دارد] «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ»؛ چند جا [دارد] «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»، یعنی مسابقه گذاشتن که قرآن به معنای واقعی کلمه به ما می‌گوید در کار خیر و کمک‌های

مؤمنانه مسابقه بگذارید؛ یعنی سعی کنید
شما جلوتر از دیگران حرکت کنید و [پیش]
بروید. و این کار به نظر من مهم است.»^۱

از دیگر الزامات احسان، تقدم عده‌ای خاص در
نیکی و خیرسانی است که به طور خاص می‌توان
به دو گروه اقرباء و خویشاوندان و نیز طبقه محروم
اشاره کرد. در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ
وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى»، ذکر جداگانه‌ی «وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى»
پس از امر عمومی به احسان، نشان دهنده‌ی تأکید
ویژه بر احسان به خویشاوندان است. چراکه اصلاح
و استحکام نهاد خانواده و خویشاوندان به عنوان
هسته‌های نخستین جامعه، سنگ بنای اصلاح
جامعه‌ی بزرگتر مدنی است. همان‌گونه که نهاد
خانواده، جامعه‌ای کوچک‌تر از خاندان به شمار
می‌آید و مقدمه‌ی شکل‌گیری آن است، جامعه
انسانی نیز در آغاز از همین هسته‌های خانوادگی
شکل می‌گیرند و با گسترش توالد و تناسل، این
جامعه‌ی کوچک رفته‌رفته توسعه یافته و به صورت

۱- بیانات رهبر شهید انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

قبیله و عشیره درمی آید و این روند توسعه تا تشکیل جامعه‌ای بزرگ ادامه می‌یابد. این تأکید الهی بر احسان به خویشاوندان، در حقیقت توجه به نقطه‌ی آغازین و اساسی‌ترین حلقه ساخت جامعه است.^۱

علاوه بر خویشاوندان، طبقه محروم نیز باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. رهبر شهید انقلاب با اشاره به عهدنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر در این باره می‌فرماید:

«همه‌ی افراد ملت و جامعه را باید خدمت کرد؛ اما مراد عمدتاً طبقه‌ی محرومند که باید مورد توجه خاص برای خدمت قرار بگیرند؛ به دو دلیل: اولاً چون احتیاجشان بیشتر است و عدل این را اقتضا می‌کند؛ ثانیاً چون پشتیبانی آنها از نظام، جدی‌تر و همیشگی‌تر است و از اول این‌طور بوده است. همان عامه‌یی که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن فرمان تاریخیشان به مالک اشتر فرمودند که عامه

را داشته باش، خاصه رارها کن. عامه، یعنی همانهایی که در جنگ با تو هستند، در مشکلات با تو هستند، سختی‌ها را با تو تقسیم می‌کنند، غم تو را از دلت می‌زدایند، خودشان را سپر بلای تو قرار می‌دهند و صادقند؛ نه عافیت‌طلبهای پُروِیِ پُرخورِ پُرخواهی که هیچ‌وقت هم قانع نمی‌شوند. تا وقتی که خیری به آنها برسد، تو را می‌خواهند؛ به مجرد این‌که ذره‌یی کم شود، رویشان را برمی‌گردانند.»^۱

از دیگر الزامات احسان متشکل بودن آن است. بدین معنا که برای تسری جریان خدمت در جامعه از امام جامعه تا مردم، نیاز به نهادها و تشکلهای واسطی است که به صورت خاص بر این امر متمرکز شوند و با کارپردازی، طراحی و سازماندهی جریان خدمت را در جامعه زنده کنند. این تشکلهای حلقه‌های میانی به لسان قرآن در آیه «وَكذلك

۱- بیانات رهبر شهید انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران،

جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ
الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا^۱، همان امت وسط هستند که
واسط و حلقه وصل میان امام جامعه و مردم بوده
و خدمت رسانی در جامعه را تسهیل می کنند. رهبر
شهید انقلاب نیز بر نقش آفرینی ویژه این تشکل ها و
حلقه های میانی در امر خدمت رسانی تأکید کرده اند:

«البته بعضی هم ممکن است که آمادگی
نداشته باشند؛ یعنی این جور نیست که همه
بتوانند کارهای برجسته ای در این زمینه انجام
بدهند، لکن وقتی که می بینند یک کسانی
در آن صفوف مقدّم با پیشتازی و علاقه و
شوق حرکت می کنند، اینها هم به شوق
می آیند و بالاخره در بین صفوف یک جایی
برای خودشان پیدا می کنند و آنها هم وارد
این میدان می شوند»^۲.

۱- بقره، آیه ۱۴۳

۲- بیانات رهبر شهید انقلاب در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

خدمت‌رسانی مردمی با محوریت مساجد

خدمت‌رسانی زمانی مثمر ثمر و پایدار می‌شود که بر مشارکت گسترده، حداکثری و منسجم عموم مردم استوار باشد. تحقق این مشارکت مردمی، نیازمند حرکت خواص جامعه است. پیش‌رانی و پیش‌قدمی فعالان، کنشگران و تشکل‌های انقلابی خودجوش، اگر در قالب تشکل‌های منظم و سازمان‌یافته صورت گیرد، می‌تواند این نیروی عظیم مردمی را هدایت و به کار گیرد.

در این راستا مساجد محلات باید محور امور قرار گیرند. مساجد محلات ظرفیتی بی‌بدیل دارند تا محور هماهنگی و پیشبرد این امور قرار گیرند. **مساجد می‌توانند به مراکزی برای برنامه‌ریزی محلی، سازمان‌دهی و هماهنگی داوطلبان خدمت‌گزار و جذب کمک‌های مردمی تبدیل شوند.** با تکیه بر شبکه ارتباطی وسیع و اعتماد جامعه، مساجد قادرند به طور دقیق‌تر به شناسایی نیازمندان و آسیب‌دیدگان محله خود پرداخته و

کمک‌ها را به صورت هدفمند توزیع کنند. علاوه بر این، مسجد می‌تواند به پایگاهی برای تربیت و توانمندسازی نیروهای خدوم بدل شود. با برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت در زمینه‌های مختلفی همچون امداد اولیه، حمایت روانی اولیه، مدیریت بحران و مهارت‌های ارتباطی، می‌توان داوطلبان را برای ارائه خدماتی اثرگذارتر و حرفه‌ای‌تر آماده ساخت. این رویکرد، خدمت‌رسانی را از حالت واکنشی و مقطعی خارج کرده و به سمت یک حرکت خودجوش، آگاهانه و نهادینه شده در دل جامعه سوق می‌دهد.

اصول عملی مرتبط

❖ محوریت مساجد محلات در ترویج و تقویت خدمت مؤمنانه

❖ اولویت خویشاوندان و طبقات محروم در خدمت مؤمنانه

❖ نقش آفرینی حلقه‌های میانی و نهادهای واسط در خدمت‌رسانی

❖ مردمی‌سازی خدمت مؤمنانه در عین تسهیل‌گیری نهادهای دولتی

بحث تکمیلی

گفتار استاد علیرضا پناهیان با عنوان «مبارزه، مسیر ساخت جامعه»

در ویژه‌نامه اندیشه مقاومت ملی، شماره یازدهم نشریه تأملات رشد

مبارزه، جزء جدایی‌ناپذیری از مسیر رشد و حیات انسان است؛ چراکه همواره طاغوت با طغیان خود، نظام تسخیری الهی را از جایگاه حقیقی‌اش منحرف ساخته و آن را به ابزاری برای سلطه‌گری و برده‌کشی بدل می‌سازد. در برابر این انحراف، خدای متعال نعمت بزرگ ولایت را ارزانی داشته است تا انسان‌ها با پذیرش نظام تسخیر طبیعی، به آزادی حقیقی دست یابند. از همین رو بعثت پیامبران و نزول آموزه‌های دین، پاسخی به نیاز فطری انسان برای مبارزه با طاغوت بوده است. اما رهایی از ولایت طاغوت و دستیابی به آزادی الهی، تنها با سه شرط ممکن می‌شود: نخست، تثبیت ولایت ولیّ الهی به عنوان رکن هدایت و اقتدار؛ دوم، اصلاح نیت درونی که موتور محرک هر حرکت حقیقی است؛ و سوم، اصلاح سبک زندگی اجتماعی که زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای آزاد بر پایه‌ی ولایت الهی خواهد بود. در زمینه اصلاح سبک زندگی، محوریت مساجد و خدماتی که از دل مساجد در محلات قابل توسعه است، باید مورد توجه مومنین قرار گیرد.



معرفی صوتی این گفتار:



جمع بندی

جامعه ایران در مسیر حرکت و صعود خود به قله‌های عزت و افتخار، در جریان جنگ تحمیلی سوم، شایسته تقابل با رأس جبهه استکبار جهانی شد. این تقابل، نوعی مواجهه و نبرد میان دو طرح تمدنی و نظم جهانی محسوب می‌شد که هر دو جبهه، تمام هویت و عقبه خویش را به میدان آوردند. جمهوری اسلامی نیز که همواره بر نقش مردم و محوریت مردم تکیه می‌کرد، «مردم» را به صحنه آورد.

جوهره جامعه ایران و مهم‌ترین عامل قدرت آن تا امروز، نیروی مردمی و اتکا بر ایمان مردمی بوده که از طریق بصیرت‌افزایی آن‌ها و دخالت دادن مردم در امور مختلف اجتماعی شکل گرفته است. رهبر معظم انقلاب نیز در اولین پیام خود خطاب به ملت ایران، در شرایط جنگ رمضان و برای پیشبرد جامعه ایران به سمت افق‌های متعالی، راهکار فتح و ظفر را اتکا بر همین عامل و تقویت این جوهره بیان کردند. با نگاهی قرآنی به بیان ایشان، می‌توان فهم کامل‌تری از این جوهره و کیفیت اقامه آن‌ها داشت:

شرط اولِ پیروزی در پیام رهبر انقلاب، «توجه و یاد خداوند متعال و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام» معرفی شده است. در حقیقت، باور و ایمان داشتن به عنوان ریشه و اساس شکل‌گیری جامعه است. در همین نقطه، جامعه‌ی الهی از جامعه‌ی مادی متمایز می‌شود. بدین ترتیب، رویای آمریکایی به مثابه جامعه‌ای که بر پایه محسوسات و منافع مادی شکل گرفته باشد و مسیر توسعه را پیش گیرد، کمر به استکبار و استعمار سایر جوامع می‌بندد و سایر جوامع بشری در جهان محکوم به ضعف و حیات نیمه‌جان می‌شوند. در میان سایر جوامع، جامعه ایران به مثابه جامعه‌ای که قصد کرده افق خود را از منافع مادی و این دنیایی فراتر نهاده و به زندگی ابدی خود متوجه شود، قطعاً مورد هجوم جامعه مستکبر قرار می‌گیرد. رهایی این جامعه از چنگال استکبار با زنده نگه داشتن یاد خداوند متعال و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام امکان‌پذیر است؛ بنابراین، شرط اول پیروزی جامعه ایران، تقویت ایمان است. به طور مشخص، استمرار بر حضور در تجمعات شبانه

به گونه‌ای که توسل و ذکر الهی، یکی از مصادیق تحقق بخش شرط اول پیروزی جبهه حق است.

شرط دوم پیروزی، وحدت و پیوستگی اجتماعی است. حقیقت الفت و اخوت جز در جامعه ایمانی رقم نخواهد خورد. برای تحقق و حفظ این وحدت اجتماعی، نقش نیروهای انقلابی اساسی تر بوده و لازم است با محوریت ولیّ جامعه و ارزش‌های ولایی، نخ تسبیح این انسجام را شکل داده و سایرین را با مراتب ایمانی مختلف به آن متصل کنند. این وظیفه با تکیه بر مشترکات ایمانی و دوری از اختلافات درونی جامعه و نمایش آن‌ها محقق می‌شود.

شرط سوم پیروزی، توجه به حضور مردم در میدان مبارزه است. مردم به عنوان رزمندگان اصلی این پیکار می‌بایست در میدان حاضر باشند تا نصرت الهی برای کل این جبهه نازل شود و در ادامه این حضور، نقش خود را در میدان مبارزه‌ای به وسعت انقلاب اسلامی بیابند. این حضور مردمی، شرط استقامت و پیشروی فعال در نبرد کنونی و نبردهای

آتی است. نقشه و الگوهای حرکت مردمی که این روزها و شب‌ها به واسطه میدان‌داری مردم در حال آشکار شدن است، مایه خوبی برای طراحی روزهای پیش‌رو است. در این میان، نقش دولت و حاکمیت که با جلوداری خود در خدمت به مردم، زمینه میدان‌داری مردم را فراهم کرده نیز باید مورد توجه قرار گیرد و مردم نقش خود را در ساخت جامعه خودشان پیدا کنند و از آن پاسداری کنند.

شرط چهارم پیروزی، تعین نقش‌آفرینی مردم به صورت خاص، در عرصه کمک‌رسانی و خدمت مؤمنانه است. در این شرط، احسان و خدمت مؤمنین نسبت به یکدیگر، به عنوان عنصر اساسی بازسازی جامعه ایمانی و ضامن روابط حَبّی مورد توجه قرار می‌گیرد. خدمات مؤمنانه اگر در شرایط جنگی میان افراد اجتماع فراگیر شود و به صورت متشکل و سازماندهی‌شده محقق گردد، مضاف بر اینکه هویت «جامعه به مثابه یک خانواده» را در اجتماع تقویت می‌کند، می‌تواند سرعت و کیفیت رفع

نیازهای مؤمنین و برطرف کردن نقاط آسیب دیده کشور را بهبود بخشد.

توجه به این چهار شرط و تحقق آن‌ها با نظر به لوازم نظری و عملی مورد نیاز، جامعه را با «میدان داری مردم» به سمت ظفر و پیروزی سوق داده و مسیر ساخت جامعه ایران در روزهای پیشرو است. ان شاءالله



کتابنامه

❖ قرآن کریم

❖ بیانات رهبر شهید انقلاب در سایت Khamenei.ir.

❖ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی (۱۳۹۰ ه.ق). بیروت: دارالوفا.

❖ ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی) (۱۳۷۴). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

❖ صحیفه امام (۲۲ جلد)، امام خمینی (ره) (۱۳۸۹). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

❖ طرح کلی اندیشه اسلامی (۱۳۹۴). تهران: صهبا.

❖ المیزان فی تفسیر القرآن (۲۱ جلد)، علامه سید محمد حسین طباطبایی (۱۳۹۰ ه.ق). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.



در ایّام جنگ رمضان منتشر شد:

شامل ۵ جلسه تبیینی با موضوعات؛

۱. ابتلاء، دستگاه تربیت جمعی
۲. قدرت استغاثه جمعی
۳. مهدی، آینده روشن جهان
۴. جلوه امروز عاشورا
۵. مقاومت جمعی

برگرفته از مباحث اساتید برجسته حوزه و دانشگاه:

- آیت الله سید محمد مهدی میرباقری

- استاد محمد تقی فیاض بخش

- حجت الاسلام والمسلمین محسن قنبریان

- جناب آقای داود منافی پور

- دکتر محمود مطهری نیا

این مباحث ویژه ارائه مبلغین و اساتید در تجمعات، مساجد و سایر فضاها
تبلیغی-تبیینی تنظیم شده است.



دریافت نسخه مجازی برای مطالعه در تلفن همراه: